

تولید فضای شهری بابلسر در دوره‌های قاجار و پهلوی

تقی آزاد ارمکی^۱، مینو صدیقی کسمایی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۱۸، تاریخ تایید: ۹۷/۱۰/۴

چکیده

این مقاله کوشیده است تا با استفاده از مفاهیم و روش‌شناسی دیالکتیکی هانری لفور به بررسی تولید و تحولات فضای شهری بابلسر از دوره انعقاد معاهده گلستان و ترکمنچای در دوره فتحعلی‌شاه تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی بپردازد. این پژوهش، در مطالعه و تفسیر تاریخ فضا از منابعی چون سفرنامه‌ها، اسناد، عکس‌های برج مانده، کتاب‌های تاریخی محلی، ملی و بین‌المللی، و تکنیک‌هایی چون مصاحبه‌های عمیق، بحث‌های گروهی، گردآوری تاریخ شفاهی، و مشاهده آثار برج مانده، استفاده کرده است و به بررسی ساختارها (اقتصادی و سیاسی)، و عوامل (روابط میان نیروهای اجتماعی) در کنار یکدیگر پرداخته است. با الهام از سه‌گانه مفهومی لفور، و با توجه به تجربه خاص این شهر، سه‌گانه ساخته شده جهت ترسیم بافت در هم پیچیده فضا، شامل «عمل فضایی»، «سیاست‌های اقتصادی» و «اقتصاد سیاسی» است. مؤلفه‌های این سه‌گانه، در هفت زبردوره تاریخی به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بررسی دیالکتیکی این سه‌گانه، حاکی از وجود چرخش‌های اقتصادی، فرهنگی، و تغییر در نیروهای اجتماعی است و فضا از فضای مطلق به فضای انتزاعی و از فضای انتزاعی به فضای متمایز متحول شده است. این پژوهش کوشیده تفسیری از این تحولات ارائه کند.

واژگان کلیدی: دیالکتیک سه‌گانه، تولید فضا، تاریخ فضا، چرخش فرهنگی، بابلسر

^۱ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران tazad@ut.ac.ir

^۲ دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی sedighi.minoo@ut.ac.ir

طرح مسئله

بررسی تولید اجتماعی فضای شهری بابلسر در یک روند تاریخی، مسئله‌ای است برخاسته از فضای شهری بابلسر در زمان کنونی. بابلسر شهری است در استان مازندران. دریا و رودخانه، دو جاذبه اصلی گردشگران در این شهر هستند و آن قدر جاذبه دارند که خریداران املاک حاضرند بر دوش خانه‌های هم سوار شوند، اما در محدوده‌ای نزدیک به دریا باقی بمانند. ظهور برج‌های بلند در حاشیه دریا و به تازگی رودخانه، ناشی از همین علاقه است. قرار گرفتن در طبقات بالاتر برج‌ها، با خود چشم‌انداز بهتری از دریا و شهر، به همراه دارد. با بالاتر رفتن در سلسله‌مراتب اجتماعی، می‌توان در طبقات بالاتر برج‌ها مسکن گزید و این چشم‌انداز بی‌نظیر را از آن خود کرد. اکثر خانه‌های ویلایی، جای خود را به برج‌ها و ساختمان‌های بلندمرتبه می‌دهند. این واقعه، نه از سر نیاز به این میزان واحد مسکونی و به تعبیری ارزش مصرفی آنها که از سر لحاظ کردن منافع اقتصادی و ارزش مبادله‌ای آنهاست. بسیاری از این واحدها، پس از مدت درازی از ساخت، هنوز سکنه‌ای در خود جای نداده‌اند. بسیاری پس از تحویل گرفته‌شدن و مفروش‌شدن، خالی مانده‌اند، تا شاید ماهی و سالی یکبار، بهانه‌ای باشند برای خروج از کلان‌شهرها برای استنشاق هوای پاکیزه ساحلی. فضای شهر بابلسر در زمان حاضر، فضایی است که به گواهی ساکنان این شهر و سایر شهرهای مازندران، بیش از تمام شهرهای توریستی مازندران به تسخیر بورژوازی مستغلات درآمده، و با مشکلات عمده زیربنایی و محیط زیستی روبه‌روست. موجودیت بورژوازی مستغلات، به‌عنوان یکی از بخش‌های بورژوازی اجتناب‌ناپذیر است. حال اگر بورژوازی مستغلات همچون مولد برای کسب ارزش اضافی به‌طور صنعتی و رقابتی به تولید و عرضه ساختمان به‌خصوص مسکن بپردازد، برای تکامل اقتصاد جامعه، نقش تاریخی بورژوازی را بازی خواهد کرد. اما هنگامی که در اساس به تولید و عرضه ارزش دارایی می‌پردازد، محل گردش سرمایه در مدار مولد می‌شود. انحراف بورژوازی مستغلات از آنجا آغاز می‌شود که دیگر برای به‌دست آوردن سود، مسیر خلاق رقابتی تولید ارزش مصرفی را نمی‌پیماید، بلکه با سوداگری یا همان بورس بازی، به کالای خود هرچه بیشتر خصلت ارزش دارایی می‌بخشد، یعنی هرچه بیشتر آن را گران‌تر می‌کند (مثلاً به‌جای شهرک‌سازی برج‌سازی می‌کند) و با بالا بردن قیمت زمین و مسکن، پس‌اندازها و نقدینگی‌ها را به‌دنبال خود می‌کشد. مکش نقدینگی و پس‌انداز، مدار مولد را از پا می‌اندازد (اطهاری و یزدانی، ۱۳۸۷: ۴۳).

در کنار این مظاهر بورژوازی مستغلات، که به درجات کمتری در سایر شهرهای شمالی نیز ظهور کرده‌اند، عمارت‌ها و فضاهای تکا فتاده‌ای در کنار رودخانه و بافت مرکزی شهر دیده می‌شود که متروک‌افتادن و رو به زوال بودنشان، نشان از بی‌توجهی به تاریخی است که این شهر پشت سر گذاشته است. بابلسر گذشته‌اش را به فراموشی سپرده؛ شاهد این مدعا

پیکر ساختمان گمرک است با شیشه‌های شکسته و دیوارهایی که بدل به تابلوی اعلاناتی برای تبلیغات انواع خدمات شهری شده است؛ شاهد این مدعا، برج ساعتی است در سمت غربی رودخانه، که ساعتش سال‌هاست روی چهار و چهل دقیقه به خواب رفته است؛ شاهد این مدعا عمارت شهربانی است که جای درش، دیوار کشیده‌اند و روی دیوار، طرح دری بزرگ را نقاشی کرده‌اند.

در حالی که داشتن یک حافظه غنی شهری می‌تواند منجر به ایجاد یک هویت شهری قدرتمند در شهروندان شود که همراه با حسی از تعلق و مسئولیت به شهر است، بابلسر به سرعت در حال رهاکردن این حافظه و رفتن به آغوش فراموشی است. رشد بورژوازی مستغلات، در گرو همین فراموشی است و بورژوازی مستغلات مترصد فرصتی است که ساختمان گمرک، برج ساعت، ساختمان شهربانی، و ساختمان‌های قدیمی شهر، دیگر هیچ معنایی به ذهن ساکنان نیاورند، تا به راحتی تسخیر و تخریبشان کند و مجتمع تجاری و برج بسازد.

این تحقیق، کوشیده است با یافتن ارتباط میان فضاهای فیزیکی تک‌افتاده موجود، سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی، ملی و محلی، و روابط میان نیروهای اجتماعی و اقتصاد سیاسی، به بررسی روند تحولات فضای شهری بپردازد. در طی رمزگشایی این روندها، تصاویری از شهر نمایانده می‌شد، که با یافتن محل دقیق هر قطعه از این پازل از روی شواهد، و با کنار هم چیدنشان، می‌توان به تصویری پاناروماگونه در دل زمان از شهر رسید.

پیشینه تحقیق

لفور^۱ فضا را حاصل دیالکتیک یک سه‌گانه فضایی شامل فضای بازنمایی^۲، بازنمایی فضایی^۳ و عمل فضایی^۴ می‌داند. در اینجا به پژوهش‌هایی پرداخته خواهد شد که با به‌کارگیری سه‌گانه مفهومی لفور، کوشیده‌اند به شناخت و بررسی فضا بپردازند.

یکی از نخستین مطالعاتی که از سه‌گانه مفهومی لفور برای شناخت فضا بهره برد، مطالعه آلن و پریک^۵ (۱۹۹۴) بود. آنان بحث لفور در خصوص فضای انتزاعی را به فضای انتزاعی مالی بردند و کوشیدند نشان دهند که چگونه کسانی که در بازارهای مالی شهر لندن کار می‌کنند، از خلال اعمال فضایی روزمره و شبکه‌های جهانی، یک کدگذاری مسلط ویژه از فضا ارائه می‌دهند. تأکید ویژه آنان بر وضعیت قدرت و مجموعه‌های مختلفی از روابطی بود که فضای مالی مسلط تحت آنها محافظت می‌شود. در بخش آخر مقاله، به افرادی پرداخته شده است که

^۱ Lefebvre

^۲ Representational space

^۳ Representations of space

^۴ Spatial practice

^۵ Allen & pryke

در فضای مالی شهر فراموش می‌شوند. در این بخش، بر شیوه بهره‌گیری آنان از فضای مسلط و توانایی آنان در براندازی کدگذاری مالی مسلط تأکید شده است (Allen & Pryke, 1994: 453-475). هرنس^۱، تولید فضای لغور را از مطالعات شهری به مطالعات سازمانی برده و برای تحلیل یک سازمان، از مدل سه‌گانه فضایی لغور با تمایزات هستی‌شناختی (فضای فیزیکی/طبیعی، فضای اجتماعی و فضای ذهنی) استفاده کرده است (Hernes, 2004). یکی دیگر از پژوهش‌هایی که برای شناخت فضا از سه‌گانه مفهومی لغور بهره برده است، پژوهش جانا کرپ^۲ (2008) است. به اعتقاد او در حالی که توقع می‌رود برنامه‌ریزی، تمام افراد درگیر در روابط اجتماعی را درگیر کند، اما اغلب بازنمایی‌های فضای اجتماعی تحت سیطره حاکمان قرار دارند. این مقاله می‌کوشد به فهم اختلافات و تنوعات اجتماعی فضایی نایل شود و معتقد است سه‌گانه مفهومی لغور، بهترین ابزار برای نشان دادن بی‌تعادلی‌ها در برنامه‌ریزی‌ها و بهترین ابزار برای بررسی موقعیت‌های فضایی از زوایایی غیراز زاویه دید حاکمان است (Carp, 2008: 129-142).

پژوهشی که در ایران با بهره‌گیری از سه‌گانه فضایی لغور به بررسی فضای شهری پرداخته است، پایان‌نامه دکتر سیوش قلی‌پور با راهنمایی دکتر اباذری است. او در این پژوهش، تحولات فضایی شهر کرمانشاه را در بستر تاریخ معاصر مطالعه می‌کند و می‌کوشد تولید فضای اجتماعی شهر کرمانشاه را با روش دیالکتیکی و بر اساس سه‌گانه لغور توضیح دهد (قلی‌پور، ۱۳۹۱).

مفاهیم و زمینه‌های نظری

فضا، تولید فضا، تاریخ فضا، سه‌گانه مفهومی، و دیالکتیک فضایی، مجموعه مفاهیم به‌هم‌پیوسته‌ای هستند که به‌عنوان چارچوب مفهومی، مفاهیم مورد مطالعه در تحقیق حاضر را در قالب یک نظام منسجم معنایی به یکدیگر پیوند می‌دهند. تمامی این مفاهیم، ریشه در نظریات لغور در کتاب «تولید فضا» دارند، که همان‌طور که در پیشینه به آن اشاره شد، منبع الهام تحقیقات بسیاری در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی شهری، و حتی مطالعات سایر حوزه‌های جامعه‌شناسی قرار گرفته است. این تحقیق نیز برای یافتن چهارچوبی برای مطالعه همه‌جانبه‌تر موضوع، از چارچوب مفهومی و روش دیالکتیکی هانری لغور بهره می‌برد. تلقی لغور از فضا، چندبعدی و متوجه ابعاد فیزیکی، اجتماعی و ذهنی از فضاست (لغور، ۱۳۸۹: ۱۸). لغور عمل‌های اجتماعی فضایی متصل به ساخت‌های اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد و به‌دنبال

¹ Hernes

² Jana Carp

کشف رمزهای فضایی ای است که هر یک دال عمل فضایی و اجتماعی خاص هستند (لفور، ۱۳۸۹: ۲۸). لفور ادعا می‌کند که فضا امری است که به صورت اجتماعی تولید می‌شود. از نظر او فضا، توسط نیروهای اجتماعی و سیاسی در جهت کنترل، سلطه و قدرت، تولید می‌شود، اما کاملاً تحت کنترل و سلطه آنان در نمی‌آید. این روابط پیچیده، به ادراک در نمی‌آید مگر با بهره‌گیری از یک مدل دیالکتیکی که در کار او به شکل یک سه‌گانه مفهومی بازتاب می‌یابد؛ سه گانه‌ای از عمل فضایی (فضای برداشت‌شده)، فضای بازنمایی (فضای زیسته) و بازنمایی فضایی (فضای انگاشت‌شده). «عمل فضایی یک جامعه، فضای آن جامعه را پنهان می‌کند، آن را در یک تعامل دیالکتیکی مطرح و مقدم می‌شمارد، آن را به تدریج تولید می‌کند و به طور قطع، وقتی بر آن مسلط می‌شود، آن را تصرف می‌کند. از نقطه نظر تحلیلی، عمل فضایی یک جامعه از طریق رمزگشایی فضایش آشکار می‌شود» (لفور، ۱۳۸۹: ۵۹). بازنمودهای فضا، یعنی فضای متصور، فضای دانشمندان، طراحان، شهرسازان، تقسیم‌کنندگان زمین، فن‌سالاران، مهندسان اجتماعی، و نوعی از هنرمندان با گرایش علمی است. این فضا، فضای مسلط در هر جامعه (یا شیوه تولید) است. این بعد از فضا به نشانه‌های زبانی گرایش دارد. فضای بازنمودی، فضایی است که مستقیماً از طریق تصاویر و نمادهای مرتبطش زیسته می‌شود؛ فضای «ساکنان» و «کاربران»؛ فضای هنرمندان و معدودی از نویسندگان و فیلسوفان، که توصیف می‌کنند و سودای چیزی بیش از توصیف کردن در سر ندارند. فضای مسلط با بهره‌گیری از قدرت تخیل می‌خواهد این بعد را تسخیر کند و تغییر دهد. این بعد از فضا روی فضای فیزیکی را می‌پوشاند، و از ابژه‌های استفاده نمادین می‌کند. بنابراین می‌توان گفت فضاها بازنمودی، کم و بیش به نظام‌های منسجم نمادها و نشانه‌های غیرزبانی گرایش دارند (لفور، ۱۳۸۹: ۵۹ و ۶۰).

هرنس، این سه‌گانه‌ها را در ارتباط با هم می‌داند، و نقطه تمایز این سه‌گانه‌ها را در تمایز سطح هستی‌شناختی از سطح معرفت‌شناختی می‌داند:

جدول شماره ۱: چارچوب لفور در خصوص حالات فضایی^۱

اجتماعی	ذهنی	فیزیکی	تمایزات هستی‌شناختی
فضای زیسته	فضای برنامه‌ریزی شده	طبیعت فضا	فضا چگونه است؟
فضای بازنمایی	بازنمایی فضایی	عمل فضایی	تمایزات معرفت‌شناختی
زیسته	انگاشت شده/پنداشته	برداشت شده/دریافته	فضا چگونه فهم می‌شود؟

^۱ منبع: (Toyoki, 2004: 378).

دیالکتیک فضایی

به اعتقاد لفور، درک درست فضا فقط از طریق درک رابطه دیالکتیکی سه بعد فوق رخ می‌دهد. او می‌گوید این سه لحظه جدا از هم را به هم متصل کند. «گروه سه‌تایی امر دریافته- پنداشته- زیسته (در واژگان فضایی: عمل فضایی، بازمودهای فضا، فضاهای بازنمودی) اگر به‌عنوان یک «مدل» انتزاعی تلقی شود، همه استحکامش را از دست می‌دهد و اگر بتواند امر انضمامی را دریابد، در این صورت، معنایش به‌شدت محدود است و برابر با چیزی بیش از معنای یک میانجی ایدئولوژیکی در میان دیگر میانجی‌ها نیست. قلمروهای امر زیسته، پنداشته و دریافته باید به هم مرتبط باشند تا «سوژه»، بتواند بدون سردرگمی از یک قلمرو به قلمرو دیگر برود» (لفور، ۱۳۸۹: ۶۲).

تاریخ فضا

اگر فضا تولید شود، اگر یک نیروی مولد وجود داشته باشد، پس ما با تاریخ سروکار داریم. تغییر از یک شیوه به شیوه‌ای دیگر، باید مستلزم تولید فضایی جدید باشد (لفور، ۱۳۸۹: ۷۱ و ۷۲). تاریخ فضا نمی‌تواند به مطالعه لحظه‌های خاصی که شکل‌گیری، استقرار، زوال و انحلال رمزی مشخص، آنها را ساخته‌اند، محدود باشد. این تاریخ باید با استفاده از شیوه‌های تولید به‌عنوان اموری کلی که جوامع خاصی را با تاریخ‌ها و نهادهای خاصشان زیرپوشش قرار می‌دهند، به جنبه کلی نیز بپردازد. به‌علاوه، ممکن است از تاریخ فضا متوقع بود که توسعه فرآیند تولیدی را به‌نحوی دوره‌بندی کند که دقیقاً مطابق با دوره‌بندی‌های عموماً پذیرفته‌شده نباشد (لفور، ۱۳۸۹: ۷۴).

به‌این ترتیب، لفور سراغ تاریخ طولانی فضا می‌رود؛ تاریخی که فضاهای بازنمودی، بازمودهای فضا، و مهم‌تر از همه، روابط متقابل آنها و پیوندهایشان با عمل اجتماعی را توضیح می‌دهد. بنابراین، تاریخ فضای مدنظر او جایی بین انسان‌شناسی و اقتصاد سیاسی قرار دارد (لفور، ۱۳۸۹: ۱۸۲). اصل و عمده بحث لفور در خصوص تاریخ تولید فضا، خود را در چرخش از فضای مطلق (فضاهای طبیعی، فضاهای مقدس، آرامگاه‌ها و مزارها)، به فضای انتزاعی (فضای مبادله، فضایی که با قراردادهای، می‌کوشد اجماع، امنیت و تمدن ایجاد کند و برای همگن‌سازی هر مخالفتی را سرکوب می‌کند و اختناق اعمال می‌کند) و بعد، ظهور تناقضات در فضای انتزاعی و ظهور فضای متمایز (فضایی که تفاوت‌های محذوف در فضای انتزاعی را برجسته می‌کند و وحدت را به چیزهایی که فضای انتزاعی تجزیه کرده، بازمی‌گرداند)، نشان می‌دهد.

چارچوب مفهومی

این تحقیق، ملهم از کار سه‌گانه لفور، با روشی دیالکتیکی به بررسی فضای شهری بابلسر می‌پردازد. در اینجا باید به سه نکته توجه کرد؛ نخست اینکه سه‌گانه لفور مدلی فلسفی و بسیار پیچیده است که عملیاتی کردن و انضمامی کردن آن مستلزم محدود کردن این مفاهیم، در قالب‌هایی قابل مشاهده و مطالعه است. دوم این که اگر این قالب‌ها، منفرد رها شوند، بی‌شک محصول نهایی دیگر هیچ ارتباطی با مدل لفور نخواهد داشت. بنابراین آنچه که این تحقیق از مدل لفور برگرفته، صرفاً تئلیشی از مفهوم فضا نیست، بلکه روش دیالکتیکی لفور است در نشان دادن ارتباط دیالکتیکی میان ابعاد این سه‌گانه با یکدیگر و سوم این که سه‌گانه مدنظر لفور، برای شهرهای غربی ساخته شده‌اند. لفور خود به این موضوع اشاره می‌کند که اولاً ممکن است میان بازنمایی فضایی و فضای بازنمایی در شهرهای شرقی، تقابلی وجود نداشته باشد. او معتقد است هر ادعایی در این خصوص، مستلزم کار تحقیقی است (لفور، ۱۳۸۹: ۶۶) و دوماً تجربه استعمار در شهرهای شرقی، حتماً در تولید فضای شهر نقش داشته است و این امری است که او در بررسی شهر غربی بدان نپرداخته است (لفور، ۱۳۸۹: ۵۳۴).

به این ترتیب چارچوب سه‌گانه فضایی شهر بابلسر در دوره قاجار و پهلوی، به این صورت خواهد بود:

۱- عمل فضایی

در سطح هستی‌شناختی، فضای فیزیکی، و در سطح معرفت‌شناختی، فضای برداشت شده است. فضایی است که افرادی که در آن زیسته‌اند، برداشت کرده‌اند: بوییده‌اند، چشیده‌اند، دیده‌اند، لمس کرده‌اند، در آن حرکت کرده، حضور به هم رسانده، یا از هم جدا شده‌اند. محقق می‌تواند از روی مسیرها، مقصدها، راه پیدا کردن‌ها و شیوه‌های حمل و نقلی که سفرنامه‌نویسان، سیاحان و سایر توصیف‌کنندگان با آنها فضا را توصیف کرده و می‌کنند، به شناخت این بعد از فضا دست یابد. در این تحقیق، عمل فضایی در قالب عملیاتی فضاهای فیزیکی مدنظر قرار گرفت.

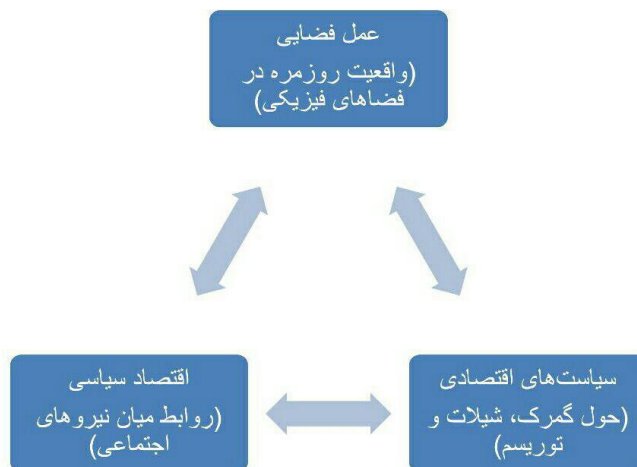
۲- سیاست‌های اقتصادی

با توجه به تفاوت‌های جدی و ماهوی جامعه مورد بررسی در این تحقیق با شهر غربی مدنظر لفور، این تحقیق مجبور به بازنگری در مدل در هنگام عملیاتی کردن سایر ابعاد آن بود. چیزی که جامعه مورد بررسی این تحقیق را بسیار متفاوت از شهر غربی می‌کرد، نقش دخالت همسایه شمالی ایران، در مناسبات نیروهای اجتماعی این شهر بود. این نقش، گاه در قالب قراردادهای

سیاسی، گاه در قالب امتیازات اقتصادی، و گاه در قالب روابط قدرت در فضای زیسته، به کلی مناسبات نیروهای اجتماعی در بازنمایی فضایی و فضای بازنمایی را به هم می‌ریخت. به همین دلیل، این تحقیق مجبور به لحاظ کردن بعدی جدید با عنوان سیاست‌های اقتصادی بود. گمرک و شیلات، از زمان‌های قدیم دو بازوی مهم اقتصاد بابلسر بوده‌اند. به جهت اهمیتی که این دو نهاد عمده برای تأمین خزائن دولتی داشته‌اند، همواره مورد توجه سیاست‌مداران داخلی بوده‌اند. همسایه شمالی ایران نیز در معاهدات و قراردادهای، دائماً درصدد کسب امتیاز در خصوص این دو نهاد بود. علاوه بر گمرک و شیلات، از دوره رضاشاه، توجه به توریسم هم وارد ارکان اقتصادی این منطقه شد.

۳- اقتصاد سیاسی

اقتصاد سیاسی بخشی از دانش اقتصاد است که ناظر به رابطه میان سیاست و اقتصاد (به‌ویژه در زمینه نقش قدرت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی) است. اقتصاد سیاسی عبارت است از بررسی جریان‌های اجتماعی و نهادینی که از راه آنها گروه‌های معینی از طبقات پرنفوذ اقتصادی-سیاسی، تخصیص منابع تولیدی کمیاب را در حال و آینده، در راستای منافع خود مهار می‌کنند (حاتمی‌نژاد و عبدی، ۱۳۸۶: ۱۹۷). به این ترتیب بحث اقتصاد سیاسی با بحث بررسی نیروهای اجتماعی گره خورده است. از دل بررسی روابط قدرت نیروهای اجتماعی در خصوص تخصیص منابع اقتصادی، می‌توان در جهت شناخت اقتصاد سیاسی گام برداشت.



مدل شماره ۱: مدل تحقیق

روش‌شناسی

اساساً مفهوم دیالکتیک سه‌گانه لفور، بیش از اینکه مفهومی نظری باشد، رویکردی روش‌شناسانه در انسجام‌بخشی به یافته‌ها و تجزیه و تحلیل نهایی آنهاست. تحقیق پیش رو، برای فهم چگونگی تولید و تغییر فضای شهر بابلسر، به مطالعه تاریخ فضا در دوره قاجار و پهلوی پرداخته است.

برای گردآوری اطلاعات از مشاهده، مصاحبه مردم‌نگارانه، مصاحبه با مطلعین کلیدی، بحث گروهی، گردآوری تاریخ شفاهی، مطالعه سفرنامه‌ها، بررسی اسناد، بررسی عکس‌ها، و مطالعات تاریخی استفاده شده است. به این ترتیب، این تحقیق برای مطالعه پویایی‌ها و سازوکار شهر، به دنبال دستیابی به رویکردی درونی از شهر است و می‌کوشد فرد و ساختار را هم‌زمان، در شهر مورد توجه قرار دهد.

این تحقیق، مبتنی بر رویکردی فرایندی و تاریخی است و کوشیده بستر تاریخی تحولات شهر را توضیح دهد. در بستر تاریخی تحولات شهر، مشخص می‌شود که چگونه دوره‌به‌دوره با تغییراتی که در امر قدسی، ایدئولوژی، سیاست، اقتصاد، روابط بین‌المللی و... رخ می‌دهد، سیمای شهر هم دستخوش تغییر می‌شود. از طریق این بررسی، دوره‌بندی شده و مقایسه این دوره‌بندی‌ها در مطالعات تطبیقی تاریخی، می‌توان تأثیر فرهنگ را بر شهر رصد کرد.

بحث و بررسی

دوره اول: بندر الهیاتی مشهدسر^۱ (از انعقاد عهدنامه گلستان در زمان فتحعلی‌شاه تا انعقاد قرارداد ۱۹۰۲م. در دوره مظفرالدین‌شاه)

جدول شماره ۲: دوره اول: فضای بندر الهیاتی مشهدسر

عمل فضایی	سیاست‌های اقتصادی	نیروهای اجتماعی اثرگذار
۱- گمرک‌خانه: رونق گرفتن گمرک به زمان صفویان، و بسط روابط تجاری با روس‌ها باز می‌گشت. سفرنامه ملگونف (۱۸۵۸ و ۱۸۶۰م.) تنها مکتوبی است که گمرک‌خانه آن دوره را توصیف می‌کند: «گمرک‌خانه مشهدسر در ۱۰۰ ساجنی (۲۵۰ قدمی) رودخانه بابل است (با	۱- گمرک: تا زمان انعقاد عهدنامه گلستان در دوره فتحعلی‌شاه، ایران استقلال اقتصادی و گمرکی داشت. در این عهدنامه مقرر شد که از مال‌التجاره مملکتین ایران و روس صدی پنج، قیمت مال‌التجاره اخذ شود. چون این تعهد دو طرفه بود، حقوق و استقلال ایران تهدید نمی‌شد.	۱- شاهزادگان دربار قاجار: فتحعلی‌شاه زنان بسیاری داشت. تعداد زیادی از آنها مازندرانی بودند و فرزندان پسر زیادی هم از او باقی مانده است. اغلب این شاهزاده‌ها مملاک‌اند (مکنزی، ۱۳۵۹: ۱۰۲). یکی از این شاهزاده‌ها حسینقلی میرزا

^۱ نام قدیم بابلسر

عمل فضایی	سیاست‌های اقتصادی	نیروهای اجتماعی اثرگذار
<p>انبارهای کالای تجارتي و انبارهای چوبی موقتي گمرک) با شیل^۱ (در فری کنار به وسیله دولت) دوازده هزار تومان اجاره داده می‌شود» (ملگونف، ۱۳۶۴: ۱۱۴).</p> <p>۲- امامزاده: اساساً وجه تسمیه مشهدسر، مذهبی و مقدس است. این نام به مدفن شهیدبودن اشاره دارد. تمام سیاحان و سفرنامه‌نویسانی که در این دوره وارد مشهدسر می‌شدند (مثلاً مکنزی در ۱۸۵۹، میرزا ابراهیم در ۱۸۵۹ و ۱۸۶۰، ملگونف در ۱۸۵۸ و ۱۸۶۰، ناصرالدین شاه در ۱۸۷۵ و رایینو در ۱۹۰۹)، به دیدن امامزاده می‌رفتند و از نسب امامزاده و باورهای مردمی‌ای که حولش وجود داشت می‌نوشتند و بنا و صحنش را توصیف می‌کردند. با توجه به تاریخ مثبت‌کاری شده بر روی درها، می‌توان قدمت بنا را به پیش از صفویان و زمان قدرت سادات مرعشی در مازندران در قرن نهم نسبت داد.</p>	<p>در زمان ناصرالدین‌شاه، علاوه بر عوارض گمرکی سرحدی، عوارض گمرکی داخلی هم اخذ می‌شد. تجار اتباع خارجی، با توسل به سفارت‌خانه‌های‌شان و با استناد به عهدنامه ترکمنچای از ادای راه‌داری و سایر عوارض معاف شدند، ولی اتباع داخله مجبور به تأدیه گمرک‌های داخله بودند. این سیاست‌های اقتصادی به ضرر تجار ایرانی و به سود تجار روس بود. این اوضاع دشوار به حال تجار ایرانی، تأثیرات مهمی در صادرات ایران داشت، به نحوی که صادرات ایران حتی یک سوم وارداتش هم نمی‌شد و بخش اعظم آن را نیز تجار خارجی صادر می‌کردند (صفی‌نیا، ۱۳۰۷: ۱۴۵-۱۲۹).</p> <p>۲- شیلات: از زمان عهدنامه ترکمنچای ۱۲۴۳ ق، تجارت اتباع روس در ایران امتیازاتی داشت. از ۱۲۴۳ تا ۱۲۹۳ ق. حق صید و فروش ماهی هر رودخانه و ناحیه در اجاره افراد مختلف ایرانی و روس بود. اجاره‌داری در کل به نفع روس‌ها بود؛ چون وسایل بهتری برای صید و حمل و نقل داشتند، در نتیجه عایدی بیشتری داشتند و اجاره‌بهای بیشتری به حکام شمالی می‌دادند و به این ترتیب، اتباع ایرانی نمی‌توانستند با آنها رقابت کنند. حاجی میرزا آقاسی، امیرکبیر و میرزا آقاخان نوری، با دخالت روس‌ها در شیلات مخالف بودند و در زمان وزارت، تا جایی که</p>	<p>ایرجی ملقب به اعظام‌السلطنه بود که یکی از بزرگ‌مالکان بارفروش و مشهدسر بود (حاتمی، ۱۳۹۵: ۱۳۹).</p> <p>۲-وابستگان دربار قاجار: مهم‌ترین این افراد، که نام خودش و وراثش در اسناد مشهدسر تا مدت‌ها باقی ماند، میرزا علی اصغرخان صدر اعظم (امین‌السلطان) بود که به واسطه نزدیکی به ناصرالدین‌شاه، ناصرالدین‌شاه در دستخطی خالصجات مشهدسر را به وی واگذار کرد (ساکما، شناسه سند: ۲۴۰/۲۸۵)</p> <p>۲- تجار روس: تجار اتباع روس با استناد به عهدنامه ترکمنچای، فقط پنج درصد عوارض می‌پرداختند. این شرایط گمرکی موجب ریشه‌دواندن کمپانی‌های تجاری روسی در ایران می‌شد. دو کمپانی تجاری روسی در این دوره در مشهدسر مستقر شده بودند. نمایندگان آنها در کاروانسرای بازار ساکن شده‌اند (مکنزی، ۱۳۵۹: ۸۹). در گفتگویی که مکنزی با رئیس کمپانی جدید داشت، او زندگی در این محل را کسل‌کننده و سخت توصیف کرده؛ چراکه مردم به روس‌ها بدبین‌هستند و به بچه‌ها می‌آموزند که به آنها فحش بدهند.</p>

^۲ شیلات

عمل فضایی	سیاست‌های اقتصادی	نیروهای اجتماعی اثرگذار
	می‌توانستند با این کار مخالفت می‌کردند. میرزا حسین خان سپهسالار اما رویه دیگری داشت. او کل شیلات را از ناصرالدین‌شاه اجاره کرد و یکجا به روس‌ها اجاره داد. پس از عزل سپهسالار، قتل ناصرالدین‌شاه و مرگ لیانازوف، این قرارداد همچنان با وراثت لیانازوف تا انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م. تمدید می‌شد (تیموری، ۱۳۳۲: ۳۰۲-۲۷۶).	۳- بایی‌ها در ۱۲۶۵ش. قیام کردند، در ۱۲۶۸ش. (معادل ۱۳۰۶ ق./ ۱۸۸۹ م.) به جان ناصرالدین‌شاه سوء قصد کردند و به‌دنبال این اقدام، پس از نبرد خونین در محلی نزدیک به بارفروش به‌شدت در هم کوبیده شدند (مکنزی، ۱۳۵۹: ۱۰۴-۱۰۲). آنها از بین نرفتند، بلکه مجبور شدند عقاید خود را مخفی کنند. عده‌ای از آنها در روستاهای اطراف مشهدسر مشغول کشاورزی شدند.

دوره دوم: بندر مشهدسر تحت سیطره قدرت اقتصادی و اجتماعی بیگانگان روس و بلژیکی (از قرارداد ۱۹۰۲م./ ۱۲۸۱ش. تا انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م./ ۱۲۹۶ش.)

جدول شماره ۳: دوره دوم: فضای بندر مشهدسر تحت سیطره اقتصادی و اجتماعی بیگانگان روس و بلژیکی

عمل فضایی	سیاست‌های اقتصادی	نیروهای اجتماعی اثرگذار
۱- گمرک‌خانه: گمرک در دست بلژیکی‌ها بود، و رؤسای گمرک بلژیکی بودند. آنها یک نظام بوروکراتیک اروپایی را به قلب این بندر آورده بودند، اما بلژیکی‌ها با وجودی که از دولت ایران حقوق می‌گرفتند، تحت نفوذ روس‌ها بودند و دو سوم کارکنان گمرک در این زمان روس بودند (ساکما، شناسه سند: ۲۹۷/۳۰۸۶۲).	۱- ادر ازای استقراض دربار مظفرالدین‌شاه از روس‌ها در ۱۹۰۲ قراردادی امضا شد که به موجب آن، استقلال گمرکی ایران در مقابل روس‌ها از میان رفت. در این قرارداد روسیه برای خود حق وضع نظام‌نامه صادراتی را محفوظ داشته بود، ولی دولت ایران را از این حق منع کرده بود. ایران مستشارانی خارجی از کشوری بی‌طرف (بلژیک) آورده بود که در پست ریاست گمرکات قرار گیرند و حافظ	۱- کنسول روس (اکنط): محاکمه، مجازات، حکومت و نظامات با اکنط بود. اعلانات، احکام، اسناد و قباله‌جات به امضای اکنط بود. ملاها دیگر اجازه نداشتند قباله‌جات را پیش از رؤیت امضاء اکنط بنویسند. هر روز بر عده خان‌ها، مغازه‌ها، کارخانه‌ها، رزوارهای نفت ^۱ اکنط افزوده می‌شد (ساکما، شناسه سند: ۲۹۷/۳۰۸۶۲).
۲- تجارتخانه: بزرگ‌ترین تجارتخانه‌های مشهدسر در این		۲- رؤسای بلژیکی گمرک (پیدو، مسیو هوتن، هنسس، مرنارد،

^۲ منابع نفت

عمل فضایی	سیاست‌های اقتصادی	نیروهای اجتماعی اثرگذار
<p>زمان از آن روس‌هایی چون پانیانس و طومانیانس بود. تجار ایرانی از نقاطی به جز مشهدسر (مثلاً انزلی) نیز در این زمان در مشهدسر تجارتخانه داشتند که به علت هواداری رؤسای بلژیکی گمرک از تجار روس، در رقابت با تجارتخانه‌های روس به شدت درمانده بودند.</p> <p>۳- در زمان اشتغال علی محمد خان در سمت رئیس محاسبات گمرک، در خصوص شوارع تغییراتی ایجاد شد و اصلاحاتی صورت پذیرفت. او با صرف مقدار کمی پول، خیابان‌های بندر را بهبود بخشید، برای تأسیس بلدیه تلاش کرد، برای روشنی معابر، محلات و مساجد در شب، چراغ‌هایی را در شهر نصب کرد و اولین مدرسه مشهدسر به نام مدرسه احمدی را تأسیس کرد (ساکما، شناسه سند: ۲۹۷/۳۰۸۶۲). در این دوره، به دلیل ورود و سکنی گزیدن برخی ارامنه روس، خانه‌هایی در این بندر ساخته شدند که با خانه‌های گالی پوش و نبین و چوبی اهالی متفاوت بودند. در این دوره خرید، تصاحب و ثبت زمین، ارزش و معنا یافت. پیش‌گامان ارزش نهادن به ملک و زمین، ارامنه روسی بودند که با فکر اقتصادی وارد این بندر شده بودند.</p>	<p>منافعش باشند. بلژیکی‌ها با وجودی که از ایران حقوق می‌گرفتند، تحت نفوذ روس‌ها بودند. این رخداد اقتصادی، نقطه عطفی شد برای سلطه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی روس‌ها بر ایرانیان ساکن این بندر. در یکی از گزارش‌ها، حال و روز بندر مشهدسر این‌گونه تشریح شده است: «گویی این بندر یکی از بلاد روسیه است. محاکمه، مجازات، حکومت و نظامات به کلی با اکنط^۱ است، تمام اعلانات به امضای اکنط است، هر حکم به امضای اکنط است، اسناد و قباله‌جات به امضای اکنط است. اخیراً به بهانه اجاره چند سهم از بندر، به ملاها قدغن کرده‌اند که قباله‌جات را پیش از رؤیت امضاء اکنط ننویسند. داروغه شب را با اجزایش اکنط گمارده، و آنان صورتی از اهالی بازار گرفته‌اند. از هر دکان ماهی پنج الی پانزده قران به حکم اکنط می‌گیرند. هر روز بر عده خان‌ها، مغازه‌ها، کارخانه‌ها، رزروارهای نطف و... اکنط افزوده می‌شود و احدی نیست در فکر باشد» (ساکما، شناسه سند: ۲۹۷/۳۰۸۶۲).</p> <p>۲- شیلیات در اجاره لیانازوف‌ها باقی ماند.</p>	<p>دلکرد): این افراد در استخدام دولت ایران بودند، اما عملاً به روس‌ها خدمت می‌کردند.</p> <p>۳- تجار ایرانی مرتب از بی‌عدالتی‌هایی که در حق‌شان می‌شد در عذاب بودند.</p> <p>۴- تجار روس (پانیانس و طومانیانس) به واسطه داشتن روابط در گمرک مشهدسر، شرایط بسیار مطلوبی داشتند.</p> <p>۵- خرده مالک‌های ایرانی: در گزارش محرمانه‌ای که در سال ۱۳۳۳ ق. یکی از معلمان مدرسه احمدی به رئیس کل علوم و معارف، چنین آمده است که اکنط با تفرقه‌انداختن میان خرده‌مالک‌های مشهدسری و آنگاه حکم‌دادن به ضرر یکی، املاک و زمین‌هایشان را از چنگشان در می‌آورد و به ارامنه‌ای که به تازگی وارد مشهدسر شده بودند، واگذار می‌کند؛ مانند زمین سیدصالح که به استپان واگذار شد (ساکما، شناسه سند: ۲۹۷/۳۰۸۶۲).</p>

^۱ کنسول روس

دوره سوم: بندر مشهدسر در حال خروج تدریجی از سیطره بیگانگان (از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م/۱۲۹۶ش. تا ۱۳۰۷ش. که در آن نظام کاپیتالاسیون به‌طور یکجانبه از سوی ایران لغو شد)

جدول شماره ۴: دوره سوم: فضای بندر مشهدسر در حال خروج تدریجی از سیطره بیگانگان

عمل فضایی	سیاست‌های اقتصادی	نیروهای اجتماعی اثرگذار
۱-گمرک‌خانه: گمرک مشهدسر هنوز در دست رؤسای بلژیکی بود، اما قدرت تام این رؤسا مخدوش شده بود.	با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، قراردادهای امتیازهای اعطایی از ایران به روسیه، از جانب انقلابیون لغو شد، اما در ۱۹۲۱م. مجدداً این استقلال در معاهده مودت از دست رفت:	۱-ریاست گمرک مشهدسر همچنان در اختیار بلژیکی‌هاست. این رؤسا هنوز هوادار تجار روس هستند و به تجار ایرانی تبعیض روا می‌دارند. با این تفاوت که در این دوره، مردم از هر طریق ممکن، قدرت این رؤسا را به‌چالش می‌کشند.
۲-تجارت‌خانه: تجارت میان ایران با همسایه شمالی، کاملاً محدود شده بود، اما هنوز تجارخانه‌های خارجی و داخلی فعال بودند.	۱-گمرک: ایران مجدداً استقلال امور گمرکی را در معاهده‌ای به نام مودت در ۱۹۲۱م. (معادل ۱۲۹۹ش/۱۳۳۹ق) به شوروی واگذار کرد. تنها نکته‌ای که مأمورین در نظر گرفته بودند، ازدیاد عایدات خزانه دولت بود. به‌زودی احتیاج مبرم ایران به استقلال اقتصادی محسوس شد، ولی کلید این استقلال، استقلال گمرکی بود. سرانجام با حمایت جامعه بین‌الملل ایران در ازای کاهش کشت تریاک، موفق به دست یافتن به استقلال گمرکی شد (صفی‌نیا، ۱۳۰۷: ۲۳۸-۲۴۸).	۲-تجار روس هنوز نسبت به تجار ایرانی از امتیازات بیشتری برخوردارند. در دادخواهی یکی از تجار ایرانی از مرکز، به این موضوع اشاره می‌شود که تجار ایرانی می‌بایست برای حق‌الضمان مال‌التجاره خود مبلغ هنگفتی پول بپردازند در حالی که تجارخانه‌های پانیانس و تومانیانس صرفاً قبض تجارخانه‌های‌شان را برای تضمین ارائه می‌دهند. (ساکما، شناسه سند: ۲۴۰/۳۲۷۴۷).
۳-بلدیه: در ۱۳۰۴ش. عمارت شهرداری ساخته و تأسیس شد. تأسیس شهرداری مشهدسر در امتداد تضعیف اقتدار سیاسی-اجتماعی روس‌ها، به چالش کشیده شدن قدرت اتباع روس و بلژیکی، و اقدامات علی‌محمد خان (رئیس محاسبات گمرک) قرار داشت (ساکما، شناسه سند: ۲۹۷/۳۰۸۶۲).	۲-شلیات: قرارداد شلیات تا ۱۹۲۵م. با وراث لیانازوف تمدید شده بود و بنا بود مال‌الاجاره به‌صورت وجه روسی پرداخت شود. با انقلاب ۱۹۱۷، حمل پول روسیه به خارج ممنوع شد و لیانازوف‌ها نتوانستند مال‌الاجاره را بپردازند و قرارداد	۳-پس از انقلاب اکتبر، کنسول روسیه تزاری اهمیت سیاسی خود را از دست داد، اما به جهت داشتن قدرت اقتصادی (تجارخانه پانیانس)، و تملک زمین‌ها و املاک بسیار، از افراد تأثیرگذار و مهم بندر محسوب می‌شد.
		۴-بزرگ مالکان و زمین‌دارانی که به‌نوعی نسبت‌شان به بزرگان دوره‌های قبل (عظام‌السلطنه و الله‌قلی‌خان) می‌رسید. مثل خسروخان (برادرزاده الله‌قلی‌خان و نماینده شاهزاده اعظام‌السلطنه در مشهدسر)، میرزا عبدالله خسروی (فرزند خسروخان)، غلامعلی‌خان (پسر ارشد الله‌قلی‌خان)، سیدعبدالوهاب نوربخش (همسر دختر بزرگ خسروخان).
		۵-ژاندارمری: در ۱۹۱۸ ورود خیل عظیم پناهجویان ارمنی از همسایه شمالی ایران، بیم

نیروهای اجتماعی اثرگذار	سیاست‌های اقتصادی	عمل فضایی
<p>ترویج اغتشاش از جانب بلشویک‌ها را در ایران به همراه داشت، به همین دلیل، ژاندارمری (باطالیون) مازندران در بندر مشهدسر مستقر شد که جلوی افراد مسلح را بگیرد و سلاح‌هایشان را ضبط کند (ساکما، شناسهٔ سند: ۲۴۰/۱۵۸۲).</p> <p>ع-تجار داخلی: درست است که از این دوره، اسناد شکایت‌های متعدد تجار از وضعیت تبعیض‌آمیزی که نسبت به آنان وجود دارد، برجای مانده است، اما وجود همین اسناد نشان‌دهندهٔ این است که این تجار، صدایی یافته‌اند و خود را در مقابل بوروکراسی عظیم گمرک و قدرت تجارخانه‌های روسی، ناتوان و بی‌قدرت نمی‌دانند و به دنبال احقاق حقوق‌شان هستند. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌شود:</p> <p>عرض‌حال اهالی عرب‌خیل به وزارت داخله (ساکما، شناسهٔ سند: ۲۴۰/۱۵۴۶).</p> <p>تلگراف مشیرالدوله به شاه و گزارش تحصن تجار ناراضی در تلگراف‌خانه (ساکما، شناسهٔ سند: ۲۱۰/۸۴۱).</p> <p>متن نامهٔ دادخواهانهٔ یک تاجر ایرانی به نام قاسم اف که ساکن بندر انزلی است و صاحب تجارت‌خانه‌ای در مشهدسر به ریاست رفیع به هنسس، رئیس کل گمرکات ایران (ساکما، شناسهٔ سند: ۲۴۰/۳۲۷۴۷).</p> <p>نامه‌ای از وزارت مالیه به ادارهٔ مرکز گمرک، در خصوص رسیدگی به شکایت تجارتخانهٔ هاشمی (ساکما، شناسهٔ سند: ۲۴۰/۱۵۴۶).</p> <p>نامه به ریاست گمرکات مازندران از طرف تجار مشهدسر (ساکما، شناسهٔ سند: ۲۴۰/۶۲۶۰۰).</p>	<p>لغو شد. از زمانی که قرارداد لیانازوف لغو شد، وراث لیانازوف مکرر دست به شکایت زدند و تقاضای جبران خسارت داشتند و در نهایت اختلاف بین دولت ایران و وراث لیانازوف به حکمیت سپرده شد. حکم‌ها علیه دولت ایران رأی دادند و قرار شد بهره‌برداری از شیلات تا پایان مدت (۸ سال بقیه) متعلق به وراث لیانازوف باشد و برای جبران خسارت ۷ سال دیگر نیز اضافه بر آن قرارداد تمدید شد.</p> <p>بنابر فصل ۱۴ معاهدهٔ مودت ایران و شوروی در ۱۹۲۱، مقرر شد که دولت ایران با شوروی قراردادی در باب صید ماهی منعقد کند. در ۱۹۲۷ (۱۳۰۶ش.) در مسکو قراردادی بین ایران و شوروی مبادله شد. مدت این امتیاز ۲۵ سال از روز مبادلهٔ اسناد تعیین شد و بنا شد پس از انحلال دارایی‌ها به غیراز اراضی متعلق به ایران به‌طور مساوی تقسیم شوند. ایران متعهد شد که تا سال ۱۹۲۷م. شیلات خزر را به ممالک دیگر یا اتباع آنها واگذار نکند و متخصصی بیگانه برای ادارهٔ شیلات استخدام نکند.</p>	

دوره چهارم: ساخته‌شدن شهر توریستی بابلسر (از ۱۳۰۷ش تا شهریور ۱۳۲۰ش)

جدول شماره ۵: دوره چهارم: ساخته‌شدن شهر توریستی بابلسر

عمل فضایی	سیاست‌های اقتصادی	نیروهای اجتماعی اثرگذار
<p>۱- خانه‌هایی به سبک شهری و ویلایی با دیوارهای کوتاه حیاط، و با استفاده از مصالحی مثل آجر ساخته شد. مشهدسری‌ها به این خانه‌ها که از بالا، «روستایی» خوانده می‌شدند تا توجه مشهدسری‌ها را جلب کند، «رسوایی» می‌گفتند: رسوایی در معرض دید قرار داشتن زنانشان. افرادی که تن به این رسوایی نمی‌دادند، در خانه‌های قدیمی خود در محلات قدیمی ماندند (در مصاحبه‌ها).</p> <p>۲- خیابان اصلی برق‌کشی شد و کارخانه چراغ برق مشهدسر افتتاح شد (روزنامه اطلاعات، ۲۱ تیر ۱۳۱۰).</p> <p>۳- ویلاهای سمت غربی رودخانه ساخته شدند. هر یک از این ویلاها به نام یکی از اعضای خاندان سلطنتی بود.</p> <p>۴- اداره سجل احوال مشهدسر تأسیس شد (روزنامه اطلاعات، ۶ خرداد ۱۳۰۷).</p> <p>۵- بازاری که کنار رودخانه برپا بود، برچیده شد، در عوض خیابان اصلی شهر با دکان‌هایش ساخته شد و از</p>	<p>«رضاشاه و دولت او تلاش‌های متعددی به عمل آوردند تا استقلال کشور را در نظام جهانی دهه ۱۹۳۰م/۱۳۱۰ش تأمین کنند. نظام کاپیتولاسیون در ۱۹۲۸م/۱۳۰۷ش به طور یکجانبه از سوی ایران لغو شد و مزایای برون‌مرزی کشورهای خارجی در ایران که یادگار عهد قاجار بود از میان رفت. در همین راستا یک رشته حقوق دیگر خارجیان در ایران ملغی گردید. از آن جمله حق خارجیان به تملک زمین در ایران، راه‌اندازی مدرسه، زناشویی با ایرانیان، تصدی مقام‌های دولتی در نظام اداری ایران و حتی مسافرت آزادانه از آنها سلب شد [...] دولت بازرگانی خارجی را در دست گرفت. بخشی از آن را مستقیماً اداره کرد و برای بقیه نیز به وضع مقررات پرداخت. شبکه گمرکی و خطوط تلگرافی را از متصدیان خارجی تحویل گرفت» (فوران، ۱۳۹۱: ۳۶۶ و ۳۶۷). به این ترتیب تمام حقوقی که یک‌دوره به‌طور طبیعی در بابلسر</p>	<p>۱- تمام حقوقی که یک‌دوره به‌طور طبیعی در بابلسر (مشهدسر) در انحصار روس‌ها درآمده بود، حال قانوناً از آنها سلب می‌شد. (حقوقی همچون تملیک زمین، داشتن مدرسه مخصوص، تصدی مقام‌های دولتی و ازدواج با ایرانیان).</p> <p>۲- راه‌اندازی راه‌آهن و ساختن جاده‌های جدید همه به مدد مهندسان خارجی رخ داد (آبراهامیان، ۱۳۸۰: ۱۸۲). از میان نیروهای خارجی، مطلوب‌ترینشان برای رضاشاه، تکنوکرات‌های آلمانی بودند. رضاشاه امیدوار بود که با کمک آنها ایران را به کشوری مدرن و صنعتی تبدیل کند. ساخت پل معلق فلزی، عمارت‌ها، خیابان‌ها و... در بابلسر با مهندسی آنها صورت گرفت.</p> <p>۳- زمین‌داران: رضاشاه بار مالیات کشاورزی را از دوش زمین‌داران به دوش دهقانان منتقل کرد، و زمین‌داران را تشویق کرد که زمین‌ها را از طریق اداره ثبت املاک به نام خودشان ثبت کنند. به این ترتیب او در راستای منافع طبقه زمین‌دار عمل می‌کرد. او همچنین دستور داد که در آینده، کدخداهای روستا را نه مردم محلی، بلکه زمین‌داران تعیین کنند. در این دوره، اشراف زمین‌دار صاحبان مناصب خوبی می‌شدند (آبراهامیان، ۱۳۸۰: ۱۸۶).</p> <p>۴- در این زمان با اهمیت یافتن جامعه شهری، خاندان‌های بزرگ و با اصل و نصب اهمیت یافتند. این افراد اغلب از اعتبار بالایی بین مردم برخوردار بودند و حافظ مال و ثروت مردم بودند. اکثر این افراد در حوزه سیاسی هم فعال بودند و امکان کسب دانش را هم یافته بودند (آزاد ارملی، ۱۳۹۱: ۴۸۷). خاندان‌های مهم و</p>

عمل فضایی	سیاست‌های اقتصادی	نیروهای اجتماعی اثرگذار
مردم خواسته شد به‌ازای پرداخت مبلغ اندکی اجاره، این دکان‌ها را در اختیار خود درآورند (در مصاحبه‌ها).	(مشهدسر) در انحصار روس‌ها درآمد بود، حال قانوناً از آنها سلب می‌شد.	ذی‌نفوذ شبکه‌های تجاری را گسترش می‌دادند و دستی در کارهای خیریه داشتند. مثلاً افرادی که به‌عنوان نمایندگان بلدی مشهدسر در ۱۳۰۹ نامشان در روزنامه اطلاعات درج شده بود، افرادی از این دست بودند: «سیدعبدالوهاب نوربخش، سیدمحمد ترسایی، میرزا رفیع برومند، میرزا محمد هادی مؤمنی، عباسقلی خان نوایی، سیدعباس محمدی» (روزنامه اطلاعات، ۲ شهریور ۱۳۰۹).
۶-چند کوره آجرپزی راه‌اندازی شد که آجر ساخت عمارت‌های شهر را فراهم می‌کرد. درختان زیادی برای تأمین سوخت این کوره‌ها قطع شدند (در مصاحبه‌ها).	۱-گمرک: در این دوره، گمرک همچنان فعال بود. البته همان‌طور که اشاره شد انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی، مدت‌ها بود که تجارت در این بندر را از رونق پیشین انداخته بود، اما همچنان نفت، شکر، صابون، کبریت و سایر اقلامی که به ساخت و ساز مربوط بودند، از قبیل شیشه و آهن، از شوروی وارد می‌شدند و در مقابل، پنبه، کنف، کنجد، پوست، و برخی مواد غیرفراآوری شده دیگر به شوروی صادر می‌شدند (در مصاحبه‌ها).	۵-بروکرات‌ها (کارمندان شهرداری، مدیران و معلمان مدارس و...): این افراد، طبقات متوسط جدید مزدبگیر شهری‌ای بودند که سرمایه‌شان دانش، تخصص و ارتباط با صاحب منصبان کشوری بود.
۷-چند عمارت دولتی دیگر؛ از جمله شهربانی، بهداری، و پست ساخته شدند.	۲-شیلات: عمده‌ترین سرمایه‌گذاری شوروی در این دوره در ایران امتیاز شیلات دریای خزر بود. این امتیاز در ۱۳۰۶-۱۳۰۷ش بار دیگر به‌مدت ۲۵ سال تمدید شده بود و مسکو از طریق این انحصار سود کلانی می‌برد (فوران، ۱۳۹۱: ۳۶۹ و ۳۷۰).	۶-تجار، در این زمان دیگر به‌نحوی سازمان‌یافته از رقبای روسشان، عقب‌نگه‌داشته نمی‌شدند، اما همچنان به‌دلایل ساختاری، مثلاً عدم تثبیت پول ایران، تجارتشان با ریسک شکست روبه‌رو بود. در روزنامه اطلاعات سال ۱۳۰۸ نام‌های از اهالی مشهدسر خطاب به مجلس شورای ملی به‌چاپ رسیده است که تنزل قیمت نقره و ترقی لیره، امروز بلاتهایت اسباب اضطراب و تشویش اذهان عمومی است و معاملات و تجار را دچار لطمه خطیر و اختلال می‌نماید. از هیئت معظم دولت استدعا شده بود برای جلوگیری از این بحران و حفظ منافع برای محدودکردن خرید و فروش بروات اسعار خارجه و تثبیت پول ایران بذل اقدام فرمایند. در انتهای نامه، امضای تجار مطرح شهر مین‌جمله نوربخش، سلطانی، صفرپور، رضانی، برومند، حسن‌زاده، جعفریان، مؤمنی، مشهدسری و اکبری آمده است (روزنامه اطلاعات، ۵ اسفند ۱۳۰۸).
۸-بناهای اطراف میدان دوم ساخته شدند.	۳-سازمات: در این دوره، مسکو از طریق این انحصار سود کلانی می‌برد (فوران، ۱۳۹۱: ۳۶۹ و ۳۷۰).	۷-با شروع ساخت و سازهای شهری، کارگران و استادکاران با شاگردهای‌شان به‌کار گمارده می‌شدند (کاری که دست‌کم دو روزش در هفته
۹-قسمت‌هایی از رودخانه زه‌کشی شد.	۴-سازمات: در این دوره، مسکو از طریق این انحصار سود کلانی می‌برد (فوران، ۱۳۹۱: ۳۶۹ و ۳۷۰).	
۱۰-بازارانداز گمرک، با آجرهای بتنی مفروش شد (ساکما، شناسه سند: ۲۴۰/۸۰۲۳۶).	۵-سازمات: در این دوره، مسکو از طریق این انحصار سود کلانی می‌برد (فوران، ۱۳۹۱: ۳۶۹ و ۳۷۰).	
۱۱-پل بزرگ ساخته شد. (۱۳۱۳-۱۳۱۵)	۶-سازمات: در این دوره، مسکو از طریق این انحصار سود کلانی می‌برد (فوران، ۱۳۹۱: ۳۶۹ و ۳۷۰).	
۱۲-ساختمان گمرک بازسازی شد. (ساکما، شناسه سند: ۲۴۰/۸۰۲۵۳).	۷-سازمات: در این دوره، مسکو از طریق این انحصار سود کلانی می‌برد (فوران، ۱۳۹۱: ۳۶۹ و ۳۷۰).	
۱۳-مسیر شازده رودخانه را تغییر دادند و بسیاری از زمین‌های باتلاقی را خشک کردند.	۸-سازمات: در این دوره، مسکو از طریق این انحصار سود کلانی می‌برد (فوران، ۱۳۹۱: ۳۶۹ و ۳۷۰).	
۱۴-مدراس شاهدخت و عصر پهلوی ساخته شدند و دخترها نیز کنار پسرها به تحصیل مشغول شدند.	۹-سازمات: در این دوره، مسکو از طریق این انحصار سود کلانی می‌برد (فوران، ۱۳۹۱: ۳۶۹ و ۳۷۰).	
۱۵-ساخت مهمان‌خانه بزرگ	۱۰-سازمات: در این دوره، مسکو از طریق این انحصار سود کلانی می‌برد (فوران، ۱۳۹۱: ۳۶۹ و ۳۷۰).	

عمل فضایی	سیاست‌های اقتصادی	نیروهای اجتماعی اثرگذار
در ۱۳۱۷ به پایان رسید (روزنامه اطلاعات، ۱۶ فروردین ۱۳۱۷).	شیلات هر طور که می‌خواهند رفتار کنند. دلیل اصلی کنترل‌های اعمال شده این بود که به شوروی هشدار دهد که این کمپانی صرفاً حول شیلات تشکیل شده، و شوروی به هیچ عنوان اجازه تبلیغ افکار کمونیستی و رسوخ و نفوذ سیاسی ندارد (ساکما، شناسه سند: ۲۳۰/۳۳۰۵).	مجانمی بود. ۸- کارگران بیگاری: نیروهای بیگاری، در کارهای عمرانی شهری به کار گرفته می‌شدند؛ در کوره‌های آجرپزی بابلسر، آجر درست می‌کردند، مصالح را تا محل عمارت‌هایی که در حال ساخت بودند، حمل می‌کردند. قطعات آهنی که با کشتی‌های روسی می‌آمد را حمل می‌کردند و... به‌طور کلی پل فلزی، و عمارت‌هایی که در آن دوران ساخته شد، به علاوه پی کازینو، حاصل چنین سازمانی از سامان‌دهی نیرو بود. کارگران در ازای انجام کار در روزهای بیگاری، نه تنها دستمزدی دریافت نمی‌کردند، بلکه تأمین غذا و محل خواب هم بر عهده خودشان بود.
۱۷- برای ساخت کازینو قرارداد بسته شد، و پی کازینو گذاشته شد (ساکما، شناسه سند: ۲۳۰/۳۳۰۵).	۱۹- تغییر بافت شهر، و در ۱۳۱۴، دیگر کسی با بردن نام این محل، متوجه وجود مکانی مقدس در منطقه نمی‌شد. علاوه بر این که با فرمان کشف حجاب (۱۷ دی ۱۳۱۴)، ممنوعیت تعزیه و عزاداری (۱۳۱۶)، افزایش گریزناپذیر روابط با خارجی‌ان غیرمسلمان، تأکید بر روی حیات مدرن، خواه‌ناخواه تقدس‌زدایی ملازم زندگی در شهر می‌شد.	۹- سلسله مراتب قدرت اجتماعی، از قدیم در بابلسر به این ترتیب بود: سربلوک، کدخدا و پاکار. در زمان جذب و به‌کارگیری نیروهای بیگاری برای ساخت شهر، این افراد به‌نحوی سلسله‌مراتبی به سازمان‌دهی نیروهای بیگاری می‌پرداختند (در مصاحبه‌ها).
۱۸- کارخانه پنبه احداث شد.	۲۰- دریا دیگر فقط محل آمد و شد کشتی‌های باربری نبود، محلی بود برای شنا و تفریح. در این زمان دیگر «آب‌تنی» معنا و مفهوم یافته بود و به‌عنوان جذباتی تفریحی از آن یاد می‌شود.	۱۰- دهقانان: دهقانان در مقابل زمین‌داران تضعیف شدند. هرچند در ۱۹۲۵ عوارض گمرکی ورود ماشین‌آلات کشاورزی برداشته و در سال ۱۹۳۰ اداره فلاح تاسیس شده بود اما تا سال ۱۹۳۷ هیچ قدمی برای تغییر الگوی مالکیت زمین و یا تغییر در روابط میان مالک و زارع به‌عنوان پیش‌زمینه مدرنیزاسیون کشاورزی برداشته نشد (بنانی، ۱۹۶۱: ۱۲۴ و ۱۳۷ به نقل از آزاد و دلگشایی، ۱۳۹۰: ۱۳۷).
۱۹- با تغییر بافت شهر، و تغییر نام مشهدسر به بابلسر در ۱۳۱۴، دیگر کسی با بردن نام این محل، متوجه وجود مکانی مقدس در منطقه نمی‌شد. علاوه بر این که با فرمان کشف حجاب (۱۷ دی ۱۳۱۴)، ممنوعیت تعزیه و عزاداری (۱۳۱۶)، افزایش گریزناپذیر روابط با خارجی‌ان غیرمسلمان، تأکید بر روی حیات مدرن، خواه‌ناخواه تقدس‌زدایی ملازم زندگی در شهر می‌شد.	۲۱- پانپانسیس نیز با شم اقتصادی‌اش، اهمیت توریسم را در این بندر دریافت به‌طور	۱۱- غالباً صیادان، کارگران گمرک و کشاورزی، افراد متفاوتی نبودند. یک فرد در طول شبانه‌روز، یا بنا به اقتضای فصل، به همه این کارها می‌پرداخت (در مصاحبه‌ها).
۲۰- دریا دیگر فقط محل آمد و شد کشتی‌های باربری نبود، محلی بود برای شنا و تفریح. در این زمان دیگر «آب‌تنی» معنا و مفهوم یافته بود و به‌عنوان جذباتی تفریحی از آن یاد می‌شود.	۲۱- پانپانسیس نیز با شم اقتصادی‌اش، اهمیت توریسم را در این بندر دریافت به‌طور	۱۲- بازاریان: دکان‌دارانی که از شرایط حصره‌داری در کناره گل‌آلود رودخانه، به

نیروهای اجتماعی اثرگذار	سیاست‌های اقتصادی	عمل فضایی
<p>مغازه‌داری در خیابان اصلی سنگفرش‌شده شهر منتقل شده بودند.</p> <p>۱۳-روحانیون از زمانی که بابلسر تحت سیطره روس‌ها قرار گرفته بود، تضعیف شده بودند. در دوره قدرت رضاشاه هم وضع بر همین متوال بود.</p> <p>۱۴-بهبایان: فشار دوره قاجار دیگر از روی بهبایان برداشته شده بود. بهبایان رضاشاه را فردی می‌یافتند که به‌دنبال اصلاحات اجتماعی و مدرنیزاسیون بود و از این جهت حامی او بودند، اما رضاشاه که به‌دنبال ملی‌گرایی، با هر نوع فرقه‌گرایی مخالف بود، به بهبایان هم خوش‌بین نبود. در سال ۱۳۱۳، مدارس بهایی به بهانه برگزاری مراسمی به مناسبت سالگرد شهادت باب تعطیل شدند (آبراهامیان، ۱۳۸۰: ۲۰۰ و ۲۰۱). با بسته‌شدن مدرسه مسعودسعد عربخیل، بهبایان، فرزندان‌شان را به مدارس بابلسر می‌فرستادند.</p> <p>۱۵-در این دوره، ارامنه‌ای که از دوره پیش آمده بودند، همچنان باقی ماندند. رضاشاه، از پاکیزگی و حفظ بهداشت ارامنه تعریف می‌کرد (رضاشاه پهلوی، ۱۳۹۲: ۳۶۷) اما علاقه‌ای به بسط نفوذ آنان نداشت. در سال ۱۳۱۷، اجازه‌نامه فعالیت این‌گونه مدارس باطل شد (آبراهامیان، ۱۳۸۰: ۲۰۰ و ۲۰۱). به این ترتیب، مدرسه روس‌ها در جنب گمرک، برای همیشه بسته شد.</p> <p>۱۶-در دوره رضاشاه جنبش چپ ایران از طریق دستگیری‌ها و سانسور تحت کنترل شدید بود. حدود دو هزار ایرانی مظنون به هواداری از حزب کمونیست دستگیر شدند. بعضی تا شهرپور ۱۳۲۰ در زندان ماندند (فوران، ۱۳۹۱: ۳۷۹ و ۳۸۰).</p>	<p>تعیش خارجی‌ها در ایران معرفی می‌کند (صفی‌نیا، ۱۳۰۷: ۲۶۷).</p>	<p>جدی به پانسیون‌داری و مهمان‌پذیری روی آورد.</p>

بابلسر تحت اشغال ارتش سرخ شوروی (۱۳۲۰-۱۳۲۵ شمسی)

جدول شماره ۶: دوره پنجم: بابلسر تحت اشغال ارتش سرخ شوروی

عمل فضایی	سیاست‌های اقتصادی	نیروهای اجتماعی اثرگذار
در شهریور ۱۳۲۰ که متفقین ایران را به بهانه همکاری با آلمان‌ها اشغال کردند، بابلسر به اشغال ارتش سرخ شوروی در آمد.	در زمانی که کشور در اشغال نیروهای نظامی بیگانگان بود، سخن گفتن از سیاست‌های اقتصادی چندان معنادار نیست.	۱- ارتش سرخ شوروی: مهم‌ترین مشکلی که حضور این افراد برای اهالی ایجاد کرده بود، قحطی و همگانی شدن بیماری تیفوئید بود که ناقل آن شپش است. در برخی روزها، پنج تا ده نفر جانشان را از دست می‌دادند. در همین روزها از سوی فرماندهی سربازان شوروی، همهٔ روانداها و زیراندازهای خانه‌ها و تن‌پوش‌های مردم، به وسیلهٔ مأمورین بهداشتی آنان، درون دستگاہی به نام اتوکلاو بخار داده می‌شد تا شپش‌ها از میان بروند (حاتمی، ۱۳۸۷: ۱۲).
۱- ارتش سرخ با خانه‌های اهالی کاری نداشت. اما دکان‌ها را بدل به انبار آذوقه کرد و ویلاهای طرف غربی رودخانه را تسخیر کرد و سربازان در زمین‌های پشت آن چادر زدند (حاتمی، ۱۳۸۷).	۱- گمرک: اشغال و قحطی باعث شده بود از ماهی‌های بحر خزر چنان بی‌رویه استفاده شود که تا سال‌ها از شمار ماهیان کاسته شده بود.	۲- زمین‌دارها: ارتش سرخ با زمین‌هایی که مالکان خصوصی داشتند، کاری نداشت و فقط زمین‌هایی که اموال رضاشاه پهلوی بودند را تصاحب کردند.
۲- ساختمان‌های تازه‌ساز پست و بهداری به تسخیر آنها درآمد. البته در ساختمان بهداری، علاوه بر سربازان، به اهالی بومی بابلسر هم خدمات درمانی داده می‌شد (حاتمی، ۱۳۸۷).	۲- تورسیم: ارتش، مهمان‌خانه را تسخیر کرد، اما اجازه داد وسایل آن را تخلیه کنند. صورتجلسه‌ای تهیه شد با این مضمون که کاخ در تصرف نیروی شوروی است و نیروی شوروی حاضر است اثنائاً کاخ شاهی را تحویل نماید. کمیسیونی در تاریخ ۱۳۲۰/۱۲/۴ در خصوص تعیین تکلیف اثنائیه تشکیل شد که صورت اشیاء را تهیه و به امضاء رساند، تا اشیاء به مرکز ادارهٔ اموال دولتی ارسال شوند (ساکما، شناسهٔ سند: ۲۳۰/۲۰۷). در این دوره تمام عمارت‌هایی که برای پذیرش مهمان سامان‌دهی شده بودند، به اشغال درآمدند. این اشغالگران، آسیب مستقیمی به اهالی وارد نمی‌کردند، اما قحطی و بیماری ارمغان این مهمانان بی‌آزار	۳- کارگران بیگاری از فشار کار رها شدند و احساس می‌کردند ارتش سرخ منجی آنهاست.
۳- شروع ورود متفقین که با بمباران آغاز شده بود، برخی از مردم به امام‌زاده فرار کرده بودند (در مصاحبه‌ها).	۳- تورسیم: ارتش، مهمان‌خانه را تسخیر کرد، اما اجازه داد وسایل آن را تخلیه کنند. صورتجلسه‌ای تهیه شد با این مضمون که کاخ در تصرف نیروی شوروی است و نیروی شوروی حاضر است اثنائاً کاخ شاهی را تحویل نماید. کمیسیونی در تاریخ ۱۳۲۰/۱۲/۴ در خصوص تعیین تکلیف اثنائیه تشکیل شد که صورت اشیاء را تهیه و به امضاء رساند، تا اشیاء به مرکز ادارهٔ اموال دولتی ارسال شوند (ساکما، شناسهٔ سند: ۲۳۰/۲۰۷). در این دوره تمام عمارت‌هایی که برای پذیرش مهمان سامان‌دهی شده بودند، به اشغال درآمدند. این اشغالگران، آسیب مستقیمی به اهالی وارد نمی‌کردند، اما قحطی و بیماری ارمغان این مهمانان بی‌آزار	۴- مغازه‌های مغازه‌دارها تصاحب شد و به انبار آذوقه تبدیل شد.
۴- ارتش سرخ گاهی با یک دستگاه پخش فیلم و یک پرده سفید در فضای باز، فیلم‌های جنگی پخش می‌کرد که کودکان و نوجوانان برای دیدن‌شان می‌رفتند (حاتمی، ۱۳۸۷: ۱۳).	۴- مغازه‌های مغازه‌دارها تصاحب شد و به انبار آذوقه تبدیل شد.	۵- افکار کمونیستی، در میان برخی از ساکنان رواج پیدا کرد، این در شرایطی بود که با آزاد شدن زندانیان سیاسی در ۱۳۲۰، حزب توده، رسماً در ایران فعال شده بود.
۵- ارتش سرخ برای تشدید ویژگی شورانگیز انقلابی خود، از موسیقی و سرود زیاد استفاده می‌کردند. گوش کودکان بابلسری در آن زمان با ریتم این موسیقی و کلمات این	۵- افکار کمونیستی، در میان برخی از ساکنان رواج پیدا کرد، این در شرایطی بود که با آزاد شدن زندانیان سیاسی در ۱۳۲۰، حزب توده، رسماً در ایران فعال شده بود.	عذر طول جنگ بین‌الملل دوم که ایران از طرف قوای بیگانه اشغال

عمل فضایی	سیاست‌های اقتصادی	نیروهای اجتماعی اثرگذار
<p>سرودها آشنا شده بود و آن قدر آنها را شنیده بود که از حفظ شده بود (در مصاحبه‌ها).</p> <p>عفرماندهی سربازان، «سالی یکی دوبار هم مراسم شاد و کنسرت ترتیب می‌داد که تماشای آن برای ساکنان شهر، آزاد و رایگان بود. در این گونه مراسم و هنگام همخوانی، این بیت پیوسته تکرار می‌شد: «استالین جان، تو ما را رهنمایی/ هم پدر و هم مادر و هم شاهی» (حاتمی، ۱۳۸۷: ۱۳).</p>	<p>بود.</p>	<p>شده بود، عده‌ای از ارامنه با روس‌ها همکاری کرده، و در دستگاه‌های روس‌ها کار می‌کردند، و به همین جهت شغل و محل اقامت خود را تغییر می‌دادند (تاج‌پور، ۱۳۴۴: ۲۹۵). به این ترتیب، ارامنه شرایط بهتری در کسب و کار، به‌ویژه کسب و کار با شوروی یافتند.</p>

بابلسر در رکود پس از اشغال (۱۳۲۵ش. تا ۱۳۳۲ش.).

جدول شماره ۷: دوره ششم: بابلسر در رکود پس از اشغال

عمل فضایی	سیاست‌های اقتصادی	نیروهای اجتماعی اثرگذار
<p>با تخلیه قوای ارتش سرخ از مشهدسر، محلات، کوچه‌ها، خیابان‌ها، پل‌ها، عمارت‌ها، و هر جایی که به مدت ۵ سال در جای‌جای‌شان نیروی نظامی ارتش سرخ دیده می‌شد، به یکباره خالی شدند، صدای سم اسب‌های نظامیان قطع شد، صدای موسیقی و سرود قطع شد، و شهر به یکباره گویی خالی شد.</p> <p>۱-دکان‌ها از اشغال درآمدند و باز شدند.</p> <p>۲-فرودگاه احمدکلای</p>	<p>در خرداد ۱۳۲۵ش. قوام با مذاکراتی که با شوروی داشت، توانست نیروهای ارتش سرخ را راضی به خروج از صفحات شمالی ایران کند. با رفتن ارتش سرخ، بابلسر تا مدت‌ها دچار رخوت و رکود بود. در این زمان تلاش‌ها برای احیای حیات اقتصادی بابلسر آغاز شد، اما تا زمان ملی‌شدن نفت و تزریق پول و سرمایه برای بازسازی اساسی شهر، این رکود ادامه داشت.</p> <p>۱-گمرک: گمرک تعطیل ماند.</p> <p>۲-شیلات:</p>	<p>۱- با مذاکرات قوام، ارتش سرخ و نیروهای شوروی تا خرداد ۱۳۲۵ به‌طور کامل خاک ایران را تخلیه کردند.</p> <p>۲- ورود و خروج اتباع شوروی که عمدتاً در قالب کمپانی شیلات ایران و شوروی، در رفت و آمد بودند، به‌شدت تحت نظر شهربانی کل کشور بود (ساکما، شناسه سند: ۲۹۳/۸۰۳۲).</p> <p>۲-مردم پس از تجربه یک دوره کار سخت، در زمان رضاشاه و یک دوره رکود ناشی از اشغال، و تعطیلی گمرک که همیشه جزء جدایی‌ناپذیر هویت دیرینه‌شان بود، دچار شوک بودند.</p> <p>سرور لطفی، دانشجوی حقوق، که در تیر ۱۳۳۴، در اولین اردوی دانشجویی به بابلسر، شرکت کرده بود، در کتاب خاطرات اردوی بابلسر، شهر و مردم را این‌گونه توصیف می‌کند: از شهر بابلسر که در دوره سلطنت رضاشاه از شهرهای مدرن و زیبا به‌شمار می‌رفت، در حال حاضر فقط بناهای نیمه‌تمام و در حال ویرانی باقی است. شهرهای ساحلی معمولاً از حیث اقتصادی غنی و مردمانش غرق در رفاه و آسایش می‌باشند اما بابلسر</p>

عمل فضایی	سیاست‌های اقتصادی	نیروهای اجتماعی اثرگذار
بابلسر افتتاح شد. (احتمالاً توسط امریکایی‌ها و برای دفع خطر احتمالی شوروی). ۳- طی دو سال بعد، تلاش برای احیای بابلسر با تلاش برای احیای مهمان‌خانه آغاز شد.	شیلات همچنان در دست شوروی بود تا این که با پایان یافتن دوره امتیاز شیلات در دی و بهمن ۱۳۳۱، ایران حاضر به تجدید آن نشد و مصدق شیلات را ملی کرد (فوران، ۱۳۹۱: ۴۳۹). ۳- توریسم:	برعکس، از مشتی مردم پریشان حال فقیر تشکیل شده که به واسطه بیکاری و نبود سرگرمی، تمام مدت روز و شب در خانه‌های خود به سر می‌برند. مگر رضاشاه این شهر را آباد نکرد؟ مگر در آن زمان این شهر محل اجتماع و استراحت‌گاه ثروتمندان جهان نبود؟ پس چرا چنین ویرانه و خاموش شده؟ (لطفی، ۱۳۳۴: ۱۴ و ۱۵). ۳- با پایان جنگ دوم جهانی، روس‌ها نغمه مهاجرت ارامنه خاورمیانه من جمله ایران را به ارمنستان ساز نمودند. لذا در نتیجه این تبلیغات اکثر ارامنه از دهات و شهرستان‌ها به تهران روی آورده، و مدتی برای مهاجرت اقداماتی به عمل آوردند (تاج‌پور، ۱۳۴۴: ۲۹۶). ارامنه زیادی در این زمان بابلسر را ترک کردند.
۴- با رسمیت یافتن دفن مردگان در حیاط امام‌زاده، امام‌زاده که حالا دیگر به دلیل خشک شدن باتلاق‌های اطراف، و از میان رفتن جنگل‌ها، محلی در دسترس بود، با حیاط مشجرش بدل به تفرجگاه افراد بومی در شب‌های جمعه شد.	در اواخر دهه بیست، لئون کوئس، مدیر سوئسی سابق مهمان‌خانه، بازگردانده شد که مهمان‌خانه را احیا کند. کازینو ساخته شد و اهالی به پلاژداری تشویق شدند.	۴- در این دوره که ایران بازترین فضای سیاسی‌اش را تجربه می‌کرد، توده‌ای‌ها آشکارا فعالیت داشتند. در ۱۳۳۰/۱۰/۱۹ صالح خادمی، از جوانان وابسته به حزب توده، با شلیک پلیس در بابلسر کشته شد. عکسی از تشییع جنازه وی وجود دارد، که جمعیت قابل توجهی با پلاکاردی که او را شهید راه آزادی معرفی می‌کند، حضور دارند.
۵- کازینو ساخته و راه‌اندازی شد (در سال ۱۳۲۹).		

تجدید حیات اقتصادی بابلسر (۱۳۳۳-۱۳۵۷ شمسی)

جدول شماره ۸: دوره هفتم: تجدید حیات اقتصادی بابلسر

عمل فضایی	سیاست‌های اقتصادی	نیروهای اجتماعی اثرگذار
۱- بابلسر به جای تأمین هدف جذب توریست خارجی، به مکانی تفریحی برای توریست‌های داخلی طبقات متوسط تبدیل شد.	۱- گمرک: گمرک تعطیل ماند. ۲- شیلات: در سال ۱۳۳۱ ش. که امتیاز شرکت مختلط ایران و شوروی پایان گرفت، دیگر امتیاز تجدید نشد و در دوازده بهمن ۱۳۳۱ ش. شیلات ایران، ملی اعلام	۱- این بار امریکا وارد خاک این منطقه شد و در اقدامی مهم، سایت نیروهوایی را در جاده بهنمیر راه‌اندازی کرد. به این ترتیب، تهدید نفوذ و گسترش کمونیسم شوروی مهار می‌شد.
		۲- در این دوره، ابتدا زمین‌داران از نیروهای قدرتمند بودند، اما با اصلاحات

عمل فضایی	سیاست‌های اقتصادی	نیروهای اجتماعی اثرگذار
۲-خانه‌ها مجهز به برق، آب لوله‌کشی، تلفن شدند.	شد و برای اداره عملیات و بهره‌برداری و انجام امور بازرگانی شرکت جدیدی به نام «شرکت سهامی شیلات ایران» به سال ۱۳۳۳ش. تأسیس شد. تا سال ۱۳۴۶ش.	ارضی این معادله بر هم خورد. با توسعه صنایع و کارخانه‌های فیبر، پنبه‌پاک‌کنی، فرش البرز و... صاحبان این صنایع بدل به طبقات قدرتمند شدند.
۳- مهاجران روستایی از دور و نزدیک، در محلات حاشیه‌ای پشت امام‌زاده و پایین رودخانه در خانه‌هایی با کم‌ترین امکانات ساکن شدند.	شرکت سهامی شیلات ایران زیر پوشش وزارت دارایی بود و از آن پس به وزارت منابع طبیعی ملحق شد و در سال ۱۳۵۰ در ردیف یکی از واحدهای تشکیلات وزارت کشاورزی قرار گرفت (حاتمی، ۱۳۹۱: ۳۶).	۳-نظام بوروکراتیک رشد کرد و بر تعداد مدیران رده‌های بالا ادارات افزوده شد. نظامیان پایگاه بهنمیر، و اساتید مدرسه عالی، از دیگر زیرطبقه‌های طبقه بالا در بابلسر محسوب می‌شدند.
۴-مهمان‌خانه‌های دولتی و خصوصی از لوکس‌ترین و مجهزترین اتاق‌ها در هتل کازینو تا پلاژهای حصیری و نیین توسعه و تکثر یافتند.	اداره شیلات با استخدام شمار زیادی از نیروهای محلی و مهاجران ترک، به سازمانی بزرگ بدل شد.	۴-بر شمار زنان فعال در پست‌های بالا افزوده شد. در این دوره، زنانی چون حسنا دبیر اعظم و بهجت سعیدی زند (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۶۳۵۲۲)، به‌سمت شهرداری، و قدسیه اسعدی (ساکما، شناسه سند: ۲۹۳/۱۲۶۴۷۱)
۵-ساختمان مهمان‌خانه بزرگ به مدرسه عالی علوم اقتصادی و اجتماعی زیر نظر دانشگاه هاروارد تغییر کاربری داد.	۳-توریسم: در سال ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ نخستین اردوهای دانش‌آموزی و دانشجویی وارد بابلسر شدند (مهدوی نادر، ۱۳۳۳؛ لطفی، ۱۳۳۴). نخستین اردویی که به بابلسر وارد شد، دانش‌آموزی بود، اما از آن پس اردوهای دانشجویی جایگزین آن شدند.	به‌سمت بخشداری، منصوب شده بودند. در میان این زنان، دبیراعظم از شهرت چشمگیری برخوردار بود. او از سال ۴۲ تا ۴۶ شهردار بابلسر بود.
۶-شهرک‌های دریاکنار و خزرشهر با ویلاها و خیابان‌بندی‌هایی به سبک خانه‌های حومه‌ای شهرهای امریکایی ساخته شدند.	در دهه ۴۰ ساختمان متل بانک ملی ایران با ۱۲ دستگاه ساختمان، با یک آفمی‌تئاتر برای کنفرانس‌ها و سمینارها ساخته شد. محوطه متل خیابان‌بندی شده، و گل‌کاری شده بود (سالنامه دنیا، ۱۳۴۹: ۶۱).	۵-اگر بهاییان در طول تاریخ حیاتشان یک دوره طلایی را تجربه کرده باشند، آن همین دوره است. برخی از آنها پست‌های بالایی مثل ریاست دارایی یا ریاست اداره املاک گرفتند، برخی زمین‌ها و خانه‌های وسیع و ارزشمندی داشتند، و نهایتاً این که توانستند برای خود محفلی در بابلسر راه‌اندازی کنند (در مصاحبه‌ها).
۷-سایت نیروی هوایی در جاده بهنمیر زیر نظر نظامیان امریکایی ساخته شد.	پلاژهای شهرداری و بانک کشاورزی هم طی همین سال‌ها ساخته شدند و توسعه یافتند.	بهاییان با مردم محلی رفت و آمد داشتند، برخوردها هم مسالمت‌آمیز بود، اما مردم محلی به آنها اعتماد کامل نداشتند. سند زیر شاهد این مدعاست:
۸-تهیه نقشه تفصیلی برابر نقشه طرح جامع، آسفالت و آگوسازی، در لیست اهم فعالیت‌های	به این ترتیب، بابلسر با ساختن مهمان‌خانه‌هایی ویژه کارمندان و دانشجویان، پذیرای طبقه متوسط شهری از تهران و سایر شهرهای ایران بود. علاوه بر این پلاژها و متل‌های دولتی، پلاژهای خصوصی و هتل‌ها و متل‌ها و	در سال ۱۳۴۷ جمع پرشماری از اهالی بانفوذ بابلسر به نخست‌وزیر نامه می‌زنند که در روزنامه اطلاعات مورخه ۲۶ مرداد

نیروهای اجتماعی اثرگذار	سیاست‌های اقتصادی	عمل فضایی
<p>۴۷، ذیل معرفی کاندیداهای انجمن شهر حزب ایران نوین بابلسر، در میان ۷ نام منعکس شده، نام فیض‌الله کثیری دیده می‌شد که این امر تعجب اهالی را برانگیخته که چه‌طور حزب «ایران نوین» این فرد را که مشهور به بهائیت است، انتخاب کرده در حالی که شهر بابلسر دارای ده هزار نفر جمعیت است که در میان این افراد، افراد باسواد و مسلمان وجود دارند (ساکما، شناسه سند: ۲۹۳/۶۳۵۲۲). این سند، نشان‌دهنده بافت مذهبی حاکم بر فضای بابلسر است. ۶۸ اکثر بازاریان و خانواده‌هایشان، در ماه‌های آخر منتهی به انقلاب، بیشتر در مجالس مذهبی و مساجد حضور می‌یافتند. در این دوره، مردم عادی کوچه و بازار بابلسر، با وجود داشتن تفاوت‌های فرهنگی با توریست‌ها، آنان را به‌عنوان عاملان رونق اقتصاد شهرشان، می‌پذیرفتند، اما همچنان روی ارزش‌های دینی، خانوادگی و سنتی خود تعصب داشتند. مثلاً به فرزندان خود مخصوصاً دخترها، اجازه نزدیک شدن به اماکنی مثل کازینو را نمی‌دادند (در مصاحبه‌ها).</p> <p>۷- بر تعداد کارگران مهاجر نیز روز به‌روز افزوده می‌شد. توریستی بودن بابلسر، بابلسر را مستعد جذب نیروهای کار می‌کرد.</p> <p>۸- توده‌ای‌ها و کمونیست‌ها نیز در بابلسر جمعیت قابل توجهی داشتند. این نیروهای مخالف، مخفیانه در شهر فعالیت سیاسی می‌کردند.</p>	<p>مهمان‌خانه‌های خصوصی هم پذیرای مسافران بودند.</p> <p>در همین زمان، در سال ۱۳۴۹، با توسعه شمار مهمان‌خانه‌ها، مهمان‌خانه بزرگ، تغییر کاربری داد و بدل به مدرسه عالی علوم اقتصادی و اجتماعی شد که زیر نظر دانشگاه هاروارد، اداره می‌شد.</p>	<p>شهرداری قرار گرفتند (ساکما، شناسه سند: ۲۹۳/۱۲۶۴۷۱).</p>

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

لغور در کتاب *تولید فضا*، نوعی دوره‌بندی از فضا ارائه می‌کند که شامل فضای مطلق^۱، فضای انتزاعی^۲ و فضای متمایز^۳ می‌شود: فضای مطلق، نه‌تنها مذهبی، بلکه سیاسی هم بود و با ویژگی «طبیعی‌بودن»، شناخته می‌شد و شامل فضاهای متبرک و مقدسی چون آرامگاه‌ها، مزارهای شهدا، بناهای تدفین و مقابر بود. این فضا در اختیار نهادهای مذهبی و کاست‌های کشیش‌گونه قرار داشت. با ظهور فضای تجاری (مبادله)، فضای مطلق از میان نرفت، بلکه در درون خود، فضای دیگری را جای داد که نسبی و تاریخی بود. در اینجا نیروهای تاریخ، «طبیعی‌بودن»، که ویژگی فضای مطلق بود، را برای همیشه از میان بردند و بر ویرانه‌های آن فضای انباشت را ایجاد کردند. فضای مشهدسر، در دوره اول، در ادامه دوران پیش، فضای مطلق است. نیروی صاحب قدرت اجتماعی و اقتصادی، متولی امر مذهبی نیز هست. چنان که ناصرالدین‌شاه در سفرنامه‌اش می‌نویسد؛ او فردی است الله‌قلی نام که مباشر گمرک مشهدسر است و مسئولیت رسیدگی به امام‌زاده ابراهیم، در صورت نیاز به مرمت، با اوست (ناصرالدین‌شاه، نسخه الکترونیک: ۱۳۱).

انتقال به فضای انتزاعی، به واسطه نیروهای خارجی روس و بلژیکی رخ داد که با آمدن و تفوق یافتنشان، فضای انتزاعی حاکم بر اندیشه و جوامع‌شان را نیز با خود آوردند. مراکز ثروت و قدرت تلاش می‌کردند فضاهایی بسازند که بر آنها مسلط باشند و اغلب می‌کوشیدند با وسایل خشن، موانع و قدرتهایی را که در آن فضاها با آن مواجه می‌شدند سرکوب کنند. بنای عظیمی مانند گمرک، در بندری کوچک با خانه‌های محقر، مظهر اقتدارگرایی اداری و سیاسی آنها در کل فضای بندر بود. در دوره رضاشاه، انتزاعی‌شدن فضا با شدت بیشتری ادامه یافت. از ویژگی‌های فضای انتزاعی این است که این فضا ظاهراً در مقابل هر خشونت‌ی در امان است، اما خود فطرتاً خشن است. جلوه‌ای از این خشونت، در از میان‌بردن فضای طبیعی به نفع فضای انتزاعی نمود می‌یافت؛ جنگل‌ها در کوره‌های آجرپزی سوختند، مسیر طبیعی شازده رودخانه تغییر داده شد، زمین‌های باتلاقی زیادی خشک شدند، تپه‌های بسیاری مسطح شدند، و به‌طور کلی، طبیعت کاهش یافت تا شهر با فضاهای خالی بزرگ میادین اول و دوم ساخته شود، و مردمان محلی از سکونت در محلات پراکنده به سکونت متمرکز حول خیابان واصل این دو میدان و اطراف آن فراخوانده شدند. امام‌زاده نیز به‌عنوان فضای مقدس، به واسطه تغییر نام محل، از مشهدسر به بابلسر، و دور بودن از محلات مرکزی ساخته شده شهر، از مرکز توجه

¹ Absolute space

² Abstract space

³ Differential space

خارج شد. شکل دیگری از این خشونت در به‌کارگیری نیروهای بیگاری، با ساعات کار طولانی و خوراک اندک نمایان بود؛ نیروهایی که با ظهور هواپیماهای متفقین، در آسمان شهر، شادی می‌کردند و خوشحال بودند که از کار سخت و ظلم رضاشاه رهایی یافته‌اند.

در دوره پهلوی دوم یکی دیگر از ویژگی‌های فضای انتزاعی ظهور کرد؛ فضای انتزاعی به همگونی و حذف مقاومت‌ها گرایش دارد، به همین جهت دست به منطقه‌بندی می‌زند و گروه‌های ناراحت‌کننده را به‌سوی بیرون سوق می‌دهد، و دست به یکپارچه‌سازی اجتماعی می‌زند. در این دوره نیز این ویژگی، برجسته بود. طبقاتی که از مناسبات اقتصادی جا می‌ماندند، مجبور به زندگی در نقاطی بودند که مقابل چشم نباشند، پس به نقاط حاشیه‌ای پشت امام‌زاده یا زمین‌های پایین رودخانه رانده می‌شدند. از طرف دیگر، آنچه که می‌توانست ایده تمدنی فضای انتزاعی را تحقق بخشد و منجر به هماهنگی اهالی محلی با توریست‌ها شود، ارتقای فرهنگی فرزندان محلی‌ها، در نظام دانشگاهی و روشنفکری بود. اما این اقدامات («منطقه‌بندی و حاشیه‌ای‌کردن» و «تأسیس دانشگاه»)، در کنار هم به ظهور فضای متمایز منجر شدند. فضایی که حول شکاف طبقه‌بندی شکل گرفته بود و بستر مناسبی برای تولید نیروهای اجتماعی انقلابی بود.

با برقراری روابط دیالکتیکی میان ابعاد «عمل فضایی»، «سیاست‌های اقتصادی» و «اقتصاد سیاسی»، می‌توان چرخش‌های اقتصادی، فرهنگی و جابه‌جایی‌های نیروهای اجتماعی داخلی و خارجی را رصد کرد:

چرخش اقتصادی

بندر مشهدسر ← شهر توریستی بابلسر (توریست خارجی) ← شهر توریستی بابلسر (توریست داخلی)

چرخش فرهنگی

مشهدسر (با وجه تسمیه‌ای مذهبی و یادآور مناسک مذهبی) ← بابلسر (عاری از هر معنای مذهبی و یادآور مناسک ساحلی و اهمیت تن)

تغییر نام «بندر مشهدسر» به «شهر بابلسر»، تنها یک تغییر اسمی نبود، بلکه تغییری معنایی، محتوایی و فرهنگی بود. تا پیش از این تغییر نام، هر سیاح و مسافری که به مشهدسر می‌آمد، نخست از وجه تسمیه آن می‌پرسید، لاجرم به دیدار و زیارت امام‌زاده می‌رفت. مشهدسر نامی بود سرشار از معانی مذهبی: «محل دفن شهید بودن». واژه «مشهد» ناخودآگاه

امام رضا(ع) را به ذهن می‌آورد، همین تداعی، باعث شده بود که برخی، امامزاده مدفون در مشهدسر را برادر امام رضا(ع) بدانند و این ایده را مطرح کنند که زیارت امام رضا(ع) در مشهد با زیارت برادرش در مشهدسر، تکمیل می‌شود. علاوه بر این، این نام، نشان از قدمت علویان در مازندران داشت، زمانی که هنوز پیش از صفویان، اکثر نقاط ایران، شیعه نشده بودند، مشهدسر جمعیتی علوی را در خود جای داده بود.

در روایتی که مکنزی، اولین کنسول انگلیس در رشت، در سال ۱۸۵۸م. از سفرش به این منطقه تهیه کرده آمده است: «مشهدسر یعنی محلی که سر شهید در آنجا مدفون است. امامی که سرش در آنجاست، ابراهیم برادر امام رضا(ع) و معروف به «بوجواب» است» (مکنزی، ۱۳۵۹: ۸۵). ملگونف روس در سفر به سواحل جنوبی دریای خزر در سال‌های ۱۸۵۸ و ۱۸۶۰م. به امامزاده ابراهیم ابوجواب اشاره می‌کند. او نیز وی را فرزند امام موسی معرفی می‌کند (ملگونف، ۱۳۶۴: ۱۱۴). ناصرالدین‌شاه در سفرش به مازندران در سال ۱۲۹۲ق./۱۲۵۴ش./۱۸۷۵م. از زیارت «امامزاده سلطان سید ابراهیم برادر امام ثامن امام رضا علیه التحیه و اثنا» در مشهدسر یاد می‌کند (ناصرالدین‌شاه، نسخه الکترونیکی: ۱۳۱). رابینو که بین سال‌های ۱۲۸۵ش. تا ۱۲۹۱ش. کنسول بریتانیا در رشت بوده، و در این مدت دو بار در سال‌های ۱۲۸۸ش. و ۱۲۸۹ش. به مازندران سفر کرده است، مشهدسر را مزار امامزاده ابراهیم ابوجواب شهید می‌داند (رابینو، ۱۳۶۵: ۸۴).

این نام که تغییر کرد، تمام معانی‌ای که با این نام تداعی می‌شدند نیز از این محل رخت بریستند. اگر مشهدسر رفتن، زمانی همراه بود با مناسک زیارت امامزاده، از جایی که این نام تغییر کرد، بابلسر رفتن، همراه شد با مناسک تفریحی و مادی و توجه به ورزش و شنا و بدن. به مرور امامزاده - که دیگر از بافت مرکزی شهر به دور افتاده بود - به چشم مسافران نمی‌آمد. اهالی بابلسر البته خود، به هوای زیارت قبور عزیزانشان که در حیاط امامزاده دفن بودند، و زیارت حرم امامزاده، به آنجا سر می‌زدند.

بابلسر فقط یک اسم تازه نبود، بابلسر یک هویت تازه بود. بندر مشهدسر مقدس، حالا بدل شده بود به شهر بابلسر که دریا، پلاژ، مایو، آفتاب گرفتن، کازینو، دانشگاه، اردوهای مختلط و... را به ذهن می‌آورد.

جابه‌جایی نیروهای اجتماعی (صحنه روابط خارجی)

تجار روس ← سیاستمداران روس ← تکنوکرات‌های آلمانی ← سربازان ارتش سرخ شوروی ← نظامیان و تکنوکرات‌ها، سرمایه‌داران امریکایی

جابه‌جایی نیروهای اجتماعی (نیروهای داخلی)

جدول شماره ۹: چرخش اقتصاد سیاسی و تغییر در نیروهای اجتماعی داخلی

دوره‌ها	وضعیت نیروهای اجتماعی
دوره قاجار	تفوق با شاهزاده‌های قاجار، وابستگان به دربار قاجار، و روس‌ها
دوره رضاشاه پهلوی	اهمیت یافتن اقتصاددانان، تکنوکرات‌ها، نیروهایی که مستبدانه نیروها را برای ساختن، بسیج می‌کردند (با سلسله‌مراتب رضاشاه، سربلوک، کدخدایان، پاکار)، و نهایتاً نیروهایی که شرایط دشوار کار اجباری را از سر می‌گذرانند.
دوره محمدرضاشاه پهلوی، پس از ملی شدن نفت	گسترش تکنوکراسی و بروکراسی، اهمیت تفریح برای طبقه متوسط (گسترش پلاژها)، اهمیت یافتن اصناف و انجمن‌های شهر (با نیروهایی که هویت اصلی‌شان مذهبی است)، اهمیت یافتن توسعه فرهنگی (تغییر کاربری ساختمان مهمان‌خانه بزرگ و ایجاد دانشگاه مازندران)، رشد حضور زنان در پست‌های مدیریتی، رشد بهایی‌ها در سایه زمین‌داری و اتصال با مواضع قدرت سیاسی، شکل‌گیری و گسترش نیروهای مقاومت شهری در قالب عملیات زیرزمینی حزب توده، و اقبال بیش از پیش مردم به مساجد و جلسات قرآن و حجاب. با قدرت گرفتن مذهبی‌ها در روزهای توده‌ای شدن قیام سال ۵۷ در تهران و سایر کلان‌شهرها، مذهبی‌ها هم به فعالیت سیاسی روی آوردند و برای نشان دادن تفاوت‌های خود با نیروهای متعارف مقاومت در منطقه (یعنی توده‌ای‌ها)، و برای نشان دادن هویت دینی خود، بهایی‌ها را به‌عنوان افراد وابسته به دربار، مورد هدف قرار دادند و به ستیز با آنها در جامعه پرداختند.

در پایان مرور تاریخ اجتماعی شهر بابلسر، می‌توان به نقطه آغاز بازگشت: با ساخته شدن «شهر بابلسر»، با چرخش‌های اقتصادی و فرهنگی، روی داده در شهر بابلسر، «بندر مشهدسر» با خیابان‌های گل‌آلود و خاموشش، با مردمان افسرده و مظلومش، طرد و فراموش شد. بابلسر گرفتار نسیان، با انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، با تمام توان به ویژگی معنوی «مشهدسری» اش بازگشت و در طول زمان کوتاهی آرایش نیروهای اجتماعی شهر را به نفع ویژگی معنوی مشهدسر تغییر داد. این بار بابلسر با بخشی از ساکنان، بناها و خاطراتش (بخشی که یادآور دوران پهلوی بود)، طرد و فراموش شد. سرکوب و فراموشی‌ای که بابلسر امروز برج‌هایش را بر آن ساخته. برج‌هایی که در شب‌های تعطیلات تابستان، در خود اتاق‌های تکثیر شده کازینو را در فضایی آزاردهنده برای ساکنان دائمی بازتولید می‌کنند.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۰) **ایران بین دو انقلاب**، ترجمه گل محمدی، احمد و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آزاد ارمکی، تقی و دلگشایی، بهروز (۱۳۹۰) «مسئله مدرنیزاسیون در ایران: مقایسه تطبیقی - تاریخی ایران و ترکیه در دوران حکومت رضاشاه و آتاتورک»، **بررسی مسائل اجتماعی ایران**، سال دوم، شماره پنجم و ششم: ۱۴۱-۱۲۱.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۱) **بنیان‌های فکری نظریه جامعه ایرانی**، تهران: علم.
- اطهاری، کمال و فردین یزدانی (۱۳۸۷) «بورژوازی مستغلات؛ کژکاری جامعه، کژتابی شهر»، **چشم‌انداز ایران**، شماره اسفند ۸۶ و فروردین ۱۳۸۷.
- تاج‌پور، محمدعلی (۱۳۴۴) **تاریخ دو اقلیت مذهبی یهود و مسیحیت در ایران**، تهران: مؤسسه مطبوعاتی فراهانی.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۳۲) **عصر بی‌خبری: تاریخ امتیازات در ایران**، تهران: چاپ اقبال.
- حاتمی، سارو (۱۳۸۷) «خاطراتی از اشغال بابلسر توسط ارتش سرخ شوروی»، **بارفروش**، شماره ۷۴.
- حاتمی، سارو (۱۳۹۱) «تاریخچه شیلات شمال»، **بارفروش**، شماره ۹۳.
- حاتمی، سارو (۱۳۹۵) **عکس‌های تاریخی بابلسر**، تهران: رسانش نوین.
- حاتمی‌نژاد، حسین و ناصح عبدی (۱۳۸۶) «اقتصاد سیاسی و فضای شهری»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۲۳۷ و ۲۳۸.
- رابینو، هل. (۱۳۶۵) **مازندران و استرآباد**، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رضاشاه پهلوی (۱۳۸۶) **سفرهای رضاشاه پهلوی به خوزستان و مازندران**، به کوشش هارون وهومن، تهران: کمال اندیشه.
- روزنامه اطلاعات: ۶ خرداد ۱۳۰۷، ۱۲ شهریور ۱۳۰۸، ۵ اسفند ۱۳۰۸، ۲ شهریور ۱۳۰۹، ۲۱ تیر ۱۳۱۰، ۱۶ فروردین ۱۳۱۷، ۲۳ خرداد ۱۳۱۷
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شناسه اسناد: ۲۱۰/۸۴۱؛ ۲۳۰/۲۰۷؛ ۲۳۰/۳۳۰۵؛ ۲۴۰/۱۵۴۶؛ ۲۴۰/۱۵۸۲؛ ۲۴۰/۲۸۵؛ ۲۴۰/۳۲۷۴۷؛ ۲۴۰/۶۲۶۰۰؛ ۲۴۰/۸۰۲۳۶؛ ۲۴۰/۸۰۲۵۳؛ ۲۴۰/۸۱۶۶؛ ۲۹۳/۶۳۵۲۲؛ ۲۹۳/۱۲۶۴۷۱
- سالنامه دنیا، ۱۳۴۹، ص ۶۱
- صفی‌نیا، رضا (۱۳۰۷) **استقلال گمرکی ایران**، طهران: چاپخانه فردوسی.
- فوران، جان (۱۳۹۱) **مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی**، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

- قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۱) تولید اجتماعی فضای شهری: مطالعه موردی شهر کرمانشاه، پایان‌نامه دکترای به راهنمایی دکتر یوسف اباذری، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- لطفی، سرور (۱۳۳۴) *خاطرات اردوی بابلسر*، بی‌جا
- لفور، هانری (۱۳۸۹) *تولید فضا*، ترجمه محمود عبدالله‌زاده، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- مکنزی، چارلز فرانسیس (۱۳۵۹) *سفرنامه شمال*، ترجمه منصوره اتحادیه، تهران: نشر گستره.
- ملگونف (۱۳۶۴) *سفرنامه ملگونف به سواحل جنوبی دریای خزر*، تصحیح، تکمیل و ترجمه مسعود گلزاری، تهران: انتشارات دادجو.
- مهدوی نادر، فرامرز (۱۳۳۳) *آنچه که در بابلسر گذشت*، تهران: لوکس
- میرزا ابراهیم (۱۳۵۵) *سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان و...*، به کوشش مسعود گلزاری، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ناصرالدین‌شاه قاجار (نسخه الکترونیکی) *روزنامه سفر مازندران*، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- Allen, John, and Michael Pryke (1994) 'The Production of Service Space', *Environment and Planning D: Society and Space* 12: 453-475.
- Banani, Amin (1961) *The Modernization of Iran*, USA.
- Carp, Jana (2008) 'Ground-Truthing Representations of Social Space: Using Lefebvre's Conceptual Triad' *Journal of Planning Education and Research*, Vol 28(2): 129-142.
- Hernes, T (2004) *The Spatial Construction of Organization Studies*, John Benjamins Publishing Company.
- Lefebvre, Henry (1991) *The production of Space*, translated by Donald Nicholson Smith, Blackwell Publishing.
- Toyoki, Sammy (2004) *Constructive Spatial Criticism on Critical Spatial Construction*, *Ephemera* 4(4):376- 384.